

عراق و توطنه دوا بر قدرت علیه انقلاب ایران

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۹ شهریور ۵۹ شماره ۹۵ تک شماره ۱۰ ریال

عوامل مزدور رژیم بعثی عراق هنوز از اعمال غیرقانونی و غیرانسانی خود دست برنداشته و بر روز بترت حملات خود به نقاط مرزی ایران افزوده و برخلاف همه قوانین اجتماعی و بین المللی، شهرها و روستاهای کشورمان را هدف حملات خود قرار داده اند. طبق گزارشهای رسیده از نقاط

مرزی، نیروهای عراقی بطورکلی بیشترین حمله خود را بر روی شهرهای مرزی قصر شیرین، سوار، نفت شهر و سربل ذهاب متمرکز کرده و ضربات سنگینی به صنایع نفت واقع در این شهرها که مرکز عمده تولید نفت غرب کشور است وارد آورده و کار تولید

بقیه در صفحه ۲

جنبه آزادی بخش خلق تیگره سخن می گوید

در صفحه ۱

آزادی، این دستاورد انقلاب را از گزند انحصار طلبان حفظ کنیم

انقلاب آبادان و خرمشهر بخاطر مسائل امنیتی ویژه این دو شهر بوده است.

اما بلافاصله داستان انقلاب با بل طیفی اطلاعیه ای فعالیت گروهها را در این شهر ممنوع اعلام میکند و بدینسان آن داستان انقلاب آمل نیز گروهها را تهدید به ممنوعیت می کند.

در اغلب نقاط مملکت وضعیت آزادی فعالیت گروههای سیاسی، منفی، فرهنگی و غیره بطور رسمی یا غیررسمی دچار همین بلا کلیفی و محدودیت و مشکلات گوناگون است. از خصوصیات اس وضعیت عدم تمازگداری میان گروههاست و سه

سرنوشت آزادی در میهن ما هنوز بیلتکلیف مانده است و خاکمین در این مورد اظهارات و عملکردهای ضدونقیض از خود سوز می دهند.

از یکسو محدود کردن آزادیها و جلوگیری از فعالیت گروههای سیاسی در سراسر کشور به درجیات مختلف گسترش می یابد. از سوی دیگر برخی از مقامات رسمی کشور از احترام و حمایت قانون آزادیهای قانونی سخن میگویند. از جمله:

«خبر دادسرای انقلاب آبادان و خرمشهر فعالیت برخی از احزاب و گروهها را تا تعیین تکلیف از طرف مجلس، ممنوع اعلام نمود. در اطلاعیه دادسرای انقلاب آبادان و خرمشهر در عین حال که از گروهها و احزاب تکلیف محبت میبندد که هر وقت خود تشخیص دهند می توانند شامل هر گروهی بشود، نمیتوان نمونه از چند سال زمان مخالف (بکار و مجاهدین) و از دارو دستهای وابسته و مزدوری چون سازمان جریکها و حزب نوده نام برده میشود.

«حجت الاسلامها نمی رهنش مجلس شورای اسلامی در یکی از محاسباتی اخیر خود تصریح نمود که مجلس از آزادی فعالیت گروهها و احزاب که حاضر به فعالیت سالم سیاسی باشند حمایت خواهد کرد و آثاره کرد که تصمیم دادسرای

درستی دارند و با اینکه آگاهانه در جهت محدود کردن و برجیدن تدریجی آزادیهای مصرحه در قانون اساسی کام بر میدارند. بپهر حال ما ضروری میدانیم درباره آزادی و نقش فعالیت گروهها در خدمت انقلاب، هر چند بطور مختصر اناره ای بعمل آوریم و سپس به مسئله دوم عملگردا تحصار طلبان سرداریم.

اصطلاح "آتی که گرفت، خنک و تشر میسوزد". اما در نفس این تصمیمات، مسئله این با آن گروه و حقا نیست و با عدم حقا نیست آنها در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد. آنچه که در درجه اول مهم است مسئله آزادیها و نقش فعالیت آزادیگروههای سیاسی در ادامه و تحکیم انقلاب و مسازنه برای استقلال میهن است. انحصار طلبان با درباره نفس آزادی و فعالیت گروهها اشتباه می کنند و درک سا

بقیه در صفحه ۶

«مائوئیسم»، چماق ارباب حزب توده

علیه مسئولان جمهوری اسلامی

صفحه ۴

پاسخ به روس نامه «مردم»



ارتش جمهوری اسلامی ایران در مرز عراق

بیاد صمد بهرنگی

معلم و دوست

صمیمی

بچه های



کتابفروشی‌ها خشمگین و نگران هستند

بر خورد بی تفاوت مستولین امر به این وضع، گروه‌های خودکام‌درا لجام گسیخته‌تر ساخته‌اند

میانه روز شنبه اول شهریور ماه در جریان تشییع جنازه یاسدار شهید بیدادادی، حاکم شرع میانه طی سخنانی تحریک آمیز به کمیونسثها شدیداً حمله کرد و برای تکمیل سخنان تحریک آمیز خود اعلام نمود:

"در ما مراده‌ها و مساجد صندوق‌ها نمی‌خواهیم گذاشت که هرکس کمیونسث‌ها را می‌بیند سدا سمان را به صدون بیانندازد!"

ببر این سخنانی وحاشمه مراسم کوهی در حدود ۳۰۰ نفری شاعرهای افراطی بطرف شهرسرا راه افتادند، و در نتیجه تحریکات منشی اندک معلوم الحال، گروهی نظیر هرکنده مسیر راهبانی را بطرف کتا بپوشی هواداران حزب رنجبران تشییع دادند، به کتا بپوشی حمله کرده و با نکلن دروشینه‌های کتا بپوشی شما کتا بیها و روزنامه‌های موجود را ازین برده و می‌پوشند و لیها را خرد کردند. تحریک ندگان هم‌دعا شدند که دروگر کرده‌گان را نیز ارجا بکنند که مردم هم‌دعا بصالحیت با آنها بودا کنند و اعمال آنها را محکوم کردند. در این جریان تا به کتا بپوشی‌های دیگر نیروهای سیاسی نیز حمله کردند و خسارانی وارد آمد.

این اعمال کم‌بزرگ، بوده مردم را که هوسورده‌ها رهنده‌های رژیم ساد و اعوان و ایثارش را از یاد سپرده‌اند شدیداً خشمگین و نگران ساخته‌اند. خصوصاً اینک ایتکارها تحت نام طرفداری از اسلام و جمهوری اسلامی صورت می‌گیرند.

مردم می‌گویند که کمال سندن روزمره‌آرادیهای منجر خددرتاسون اساسی توسط گروهی از خودکام‌هوسی معانوی مستولان امر نیست به آن چهره‌ها خوبا بسند و نگران کننده‌ای از بیطرفت او معان کتورا ایجاد کرده‌اند که برای ملت آزادخواه ایران قابل تحمل نیست.

رئیس جمهور: شش مسئله اساسی

حاصل سفر رئیس جمهور به کویس و تیرهای خراسان و سخنانی که برای مردم آن سامان ایراد کرد، تا قبل شش موضوع است که در گزارش "روزها بر رئیس جمهور چگونه می‌گذرد" روزنامه انقلاب اسلامی تنظیمه ۸ شهریور - نوشته شده است. لحاظ اهمیت این موضوع ها در شرایط و مشکلات کنونی کشور، به تلخیص شش موضوع را در زیر می‌آوریم.

۱- روحیه کاروتلاش و سازندگی - تا این روحیه در مردم نیامده، توسل به دولت برای رفع مشکلات کشور به نتیجه‌ای نخواهد انجامید. بک ملت انقلابی بعد از پیروزی انقلاب محتاج روحیه کاروتلاش است و این روحیه را روحانیون، روشنفکران، مسئولان باید در مردم تقویت کنند.

۲- ضرورت تغییرات بنیادی اجتماعی - جریانی هست که می‌گوید نظام اجتماعی را بعد از انقلاب از تغییرات اساسی دور سازد و برای اینکه با این کار موفق شود، مسائل گامی فرعی و کوچک را بزرگ می‌کند و با آنها جو میسازد و بخشی از این شل را به آن مسائل سرگرم می‌کند و در نتیجه مسئول شدن بدین مسائل ما را از برداشتن به تغییرات اساسی باز می‌دارد و در نتیجه دستگا هیبای کشور هم بطوریکه بوده اند بجزجای معنادار و روابط اساسی هم بطوریکه بوده اند سخای می‌ماند و مستعدا عصبی که محرکهای اصلی اشتغال ارجا را فسادها اندراحتی می‌توانند نظام را در شکل سیاسی ادا مدهند و دستگاه حکومتی را در خدمت بک مدد آورد و در مقابلها و مراحمین را محذرت کرد.

۳- وحدت ملای مسلمانان - مسلمانان باید مسرکات را اساسی وحدت خودت را در هدا کرم مردم اعصاب مسلمان و حدت اسلامی دانستند و خارج حکومت منشی اقلیت نمی‌بندند و امروز برای ارا ن روی خاک آنها را مورد تجاوز قرار می‌دهند و در وطنی را به آن روز درمی‌آورند. اساسی ضرورت وحدت بقدری اساسی است که مسلمان غیرمسلمانان و آن سخن در باره‌ای با آن مقام دینی محترم در سر داخل سبب با برسد منشی باید موجب برانگیختن احساسات مخالف است بلکه تعصب آخر شود.

۴- حکومت و روابط و تاسون در مسائل حکومت روز یک کسپروه -

شش مسئله اساسی جامعه ما

اگر ما سخا و هم مشکلات را بجا بده روز حسرت و فصل کشیم و قانون حکومت نکند بلکه نیرو و نیروی گروهی حاکم بشود، ما دچار فاجعه تاریخی می‌شویم و انقلاب ما بعد از انقلاب تبدیل می‌شود. عدم تغییرات اساسی اجتماعی بقصه در صفحه ۶

لهستان

اعتماد ما فقط به نیروی خودمان است.

عزیزم تصمیم اجلاس دهشتنر سیاسی حزب حاکم لهستان منشی بر تصمیم خود یک سوم اعضای دولت، کارگران اعمالی سندر دانسک و اطاران معتقدند که هدف ارا این

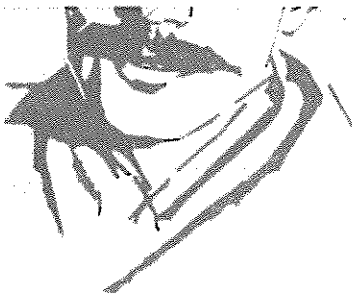


تصفیه که بقیعت‌گنا رگذاشتن عناصر سرخست حکومت ما نند ادواید با بوش نخست وزیر و روی کار آوردن عناصر معتدل مانند استفان از لوسکی وزیر جدید اقتصاد ما نند، تحقیقت بخشیدن به خطر مداخله شوروی است. لکن هدف مستقیم این تصفیه تریقتن کارگران و کتا بندن آن به مجرای بک سازش غیر اصولی است، سارسی که موفق به درهم شکستن جنبش سیاسی کارگران و راضی نگه داشتن شوروی گردد.

از جمله "عقب نشینی" های حکومت که تیرک در نظر اخیر خود به آن اشاره کرده است. "انجام انتخابات جدید با رای مخفی و بدون محدودیت تعداد کتا بندگان در سنا می‌کارخانه‌ها شیکه کارگران مالند" می‌باشد. کارگران اعمالی اگر چه این عقب نشینی را یک پیروزی به حساب خود می‌گذارند لکن بهیچوجه این نتایج نبوده و خواهان ایجاد سدیگا های جدید و مستقل کارگری اند و نه انجام "انتخابات جدید" در چارچوب همان سدیگا های قدیم. کارگران به یاد می‌آورند که عین همین عقب نشینی توسط دولت در مقابل جنبش‌های گذشته آنها صورت گرفته بود، لکن موفق شده بود آزادی‌های سدیگانی را برای کارگران نامین نماید. واکنش کارگران که بخوبی ماهیت رژیم حاکم را شناخته‌اند مایل نیستند استباه گذشته را تکرار کنند. بک کارگر زن به خیرنگار "لوموند" می‌گوید:

"در سال ۱۹۵۶، من با شوروی و فروان از کومولکا استقبال کردم ولی بعد سرخورده شدم. در سال ۱۹۷۰، من امیدوارانه از کیرکا استقبال کردم ولی بعد سرخورده شدم. امروز من تنها به خودمان، به نیروی خودمان اعتماد دارم."

رهبر اعمالیون، لاش والسا، بقصه در صفحه ۶



روز نهم شهریور ماه، دو از دشمنان سا لروز مرگ صد شیرنگی، معلم و دوست صمیمی روسا ثیان و یکی از یشتانان جنبش نوین انقلابی روشنفکران میهن ما ست.

صد از میان مردم عادی برخاست با آنها زندگی کرد، در غم و شادی آنها شریک شد و در آخر هم به خاطر عشق به مردم و شرکت در امرهای آنها به دست دژخیمان رژیم شاه سخته

شهادت رسید و بیکری جانش را در راه دریای خزر از رود ارس گرفتند. خصوصیات با رزمند، ایمان و اعتقاد دینه توده‌ها و جرات به مبارزه بود، او به رحمتگان عشق می‌ورزید و از دشمنان آنها نفرت داشت او این خصوصیات را در کلیه آثار خود در طی زندگی کوتاه ولی پرتلاش خود نشان داده است. او توده‌ها را فقیر ما نشان واقعی و دانا می‌دانست و معرفت واقعی را در میان آنها جستجو می‌کرد او مضمون غنی آثارش را میان توده‌ها می‌یافت.

صد زندگی خود را با زندگی کارگران و دهقانان زحمتگش می‌بینان کرده و با آشنائی به سختی و با همواری راه و لوزوم کار طولانی، سخت و توان فرسا راهی روستاها نداشتن توان بک معلم روستائی از نزدیک با محرومیت‌ها و دردهای زحمتگان بی‌آرز بی‌آشنا توده و وظیفه خود را به عنوان بک روشنفکر انقلابی در برقرار می‌یابید و زحمتگان به انجام رساند. صد دارای آن جنبان احسانات گرم و وطنی نسبت به بقصه در صفحه ۲

- در این شماره:
- نهضت اسلامی افغانستان علیه اشغالگران روس صفحه ۴
- مجلس در هفته گذشته صفحه ۲
- پشتیبانی شواهای اسلامی کا رخانجات از کارگران لهستان صفحه ۶
- نامه یک کارگر صفحه ۳

مجلس در هفته گذشته

سیاست منزوی شدن از طرفی دشمن بما تحمیل شده است

در جلسه علنی روز سه شنبه ۲۸ مرداد ماه گزارشی کمیسیون امور خارجه مجلس در مورد بیابخ به نام سه نمایندگان کنکوره آمریکا قرائت شد و مخبر کمیسیون در مورد لزوم بیابخ به نام سه نمایندگان کنکوره سخنانی ایراد کرد که بطور خلاصه نکات آن عبارتند از:

- ۱- باید از سیاست منزوی شدن که از طرف دشمن بما تحمیل شده است بیرون بیاییم.
- ۲- در مقابل رسانه های غرب که در صدد تخریب و دروغ پراکنی علیه انقلاب ایران هستند، باید با توجه به اصل عدم سازش و تسلیم طلبی و بر طبق دستور امام خمینی بیام انقلاب را به دنیا برساییم.

این پیشنهاد کمیسیون پس از سخنان چند نفر از نمایندگان به عنوان یک ادعای نامعنا علیه جنابای امیرالایم آمریکا در ایران با اکثریت آراء تصویب شد. با اینکه اکثر آنها در این نقطه نظر که نمایان ایران در جهان به اثر واکسیده شود متفق لفظ بودند، اما چند نفر از نمایندگان با سن نکته اشکاره کنکوره بیابخ ندیدیم، بیابخ برای شدیدت نوشته های آمریکا علیه ایران بدست آنها خواهیم داد.

طرح حفظ کرسی نمایندگی در حین وزارت رد شد

در حالی که معرفی کابینه جدید به مجلس به تاخیر افتاده است، در جلسه علنی روز ۳ شنبه شهریور ماه یک طرح دوقوربیتی مبنی بر حفظ کرسی نمایندگان در حین وزارت با اقبال ۱۷ نفر از نمایندگان مجلس قرائت شد که پس از یک بحث تقریباً طولانی اکثریت نمایندگان با ۹۶ رأی این طرح پیشنهادی را بعنوان مغایرت با صراحت قانون اساسی و همچنین آئین نامه داخلی مجلس تصویب نکردند.

تصویب شدن این طرح از طرف مجلس نشان میدهد که آقای رجایی نخست وزیر برای تشکیل اعضاء کابینه خود بیشتر با بدر بر بیرون از مجلس به جستجو بپردازد. زیرا اکثریت نمایندگان تمیخواهند بیابخ قبول بست وزارت از مقام نمایندگی در مجلس نیز محروم شوند.

آقای رجایی متکلمتر شده است. در عین حال طبق دستور آقای...

بیاد صد... از صفحه اول

زحمتکشان بودند که به قولی: "بین او و دهقان جماعت هیچ فرقی نبود، او با آن گت مشکی اش سالهای سال توی جاده ها بود، بیای بیاده از دهی به ده دیگ میرفت، او هیچ نشانه ای از شهریکری نداشت، او در طول بده، مدرسه، میدا نچه ده و قمرستان، کلاس درس رو براه میگردد و در زندگی روستائی شرکت داشت، سرخرمن، در مجلس ختم، قرائت قرآن، در مساجد عروسی، همه جا حضور داشت."

به قولی دیگر: "و با تمام مردم ساده در نهایت مهریابی و دلسواری برخوردار میگرد، از هم نشینی با آنان و کمک به ایشان لذت میبرد، بقدری ساده لیباس می پوشید که با کارگران ساده کوجه و با زار اشتباه میشد، آنوقت در برابر هر چه رشت و بیلید بود، رفتاری پرکین و استوار داشت."

او توانست با قرا گرفتن در متن زندگی زحمتکشان روستائی و زندگی کردن با آنها قلب هزاران هزار دهقان و دهقان زاده فقیر را تسخیر کند و با آنها یکی شود. او با آموختن از مردم به زودی تبدیل به نویسنده ای شد که برای فقیران بنویسد و آن هم آنقدر ساده که آنها بتوانند نوشته های او را از زبان او بفهمند. چیزی که تا قبل از آن تقریباً بی سابقه بود.

آدمهای فسه های او - مردم زحمتکش، کارگرها، روستاییان و بچه های فقیر و بنیادست بودند و او این آدمهای ساده را دوست داشت و صفات خوب و بد، خصوصیات مثبت و منفی و قدرت و ضعف آنها را در داستانهاش نشان میداد. او مثل آن دستها از روشنفکران نبود که از بیرون و از دنیای خود به زندگی محرومین جامعه می نگردند و از سر ترحم و دلسواری فقر و محرومیت آنها را تصویر میکنند.

تصویرهایی که صفدا از زندگی زحمتکشان میدهد، نشان فراداد است. او در متن زندگی زحمتکشان و عشق و علاقه عمیق او نسبت به آنها است. ولی او این عشق را تنها در بیان دوستی خود به مردم و شریک شدن در ناراحتی آنها محدود نمی کرد. او کینه و نفرت عمیق خود را به دشمنان مردم، به کسانی که باعث و بانی ایشان محرومیتها و ناراحتیها هستند، نیز نشان میدهد.

"ما نمی توانیم محبت خود را به مردم ثابت کنیم مگر اینکه به دشمنان مردم کینه بورزیم. توبیبا ریختن خون ظالم، به ستمدیدگان محبت می نمائی". (کورا و غلبه و کچل حمزه)

صفدا اعتقاد داشت که توده ها نیروی لایزال و سازنده تاریخ اند و او این را از زندگی با توده ها و

مشاهده ی توان و نیروی آنها درک کرده بود. او به آینه تا بناک توده ها، به جهان زیبا و روشن فردا به جهانی خالی از ظلم و ستم و استعمار و استبداد و تعدی و زورگوئی جهانی خالی از امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری و استثمار انسان از انسان، ایمان داشت.

او در برکتهای خزه دار، به دریا فکر میکرد و در باره ای دید که در آن میلیونها میلیون ماهی آزاد زندگی می کنند، او سیرجبری تاریخ را در این میدید که دیربها رود گاخ ستمکاران و استبدادگران به دست مردم - سرو خواهد ریخت و در میهن ما نظامی نوین که در آن کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان حاکمیت دارند، برپا خواهد شد.

او راهیمائی عظیم مردم ما را در راه نیل به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، پیش بینی می کرد و برای نزدیک کردن این لحظه تاریخی، ده کوره های آذربایجان را میکا وید.

او آرزو میکرد که ایرانی آزاد و مترقی و آباد و خود آیدک... در آن زحمتکشان آذربایجانی، کرد، بلوچ، عرب و دیگر خلقهای میهنمان همگی سر نوشت خود را بدست گیرند و هرگز تحت ستم نباشند. ولی تحقیق این امر را در گرویک مبارزه طولانی و با اشکا به توده ها و ایمان به آنها می دانست و به همین خاطر هم خود را وقف این مبارزه کرد و در این راه نیز جان باخت.

او تا دم مرگ بیوند خود را با توده ها حفظ کرد و زندگی با زحمتکشان و کار در روستاها را به دمخوردن با روشنفکران کافه ای و محافظدود و دم آنها و تبدیل شدن بدوستانهای جیره خوار، ترجیح داد.

ده سال پیش زمرگ صمد شاگردان او که در صفوف مقدم انقلاب فسرار داشتند و کسک های او را روی دست بلند کرده و فریاد می زدند: "ممد ممل ماست، راه ممد راه ماست، ولی امروز..."

در دوازدهمین سالروز مرگ صمد و یکسال و نیم پس از بیروزی انقلاب و در شرایطی که یک کتاب و با سالمنائی از عمل کرد انحصار طلبان تنگ نظر خود خواه برجا معه ما حاکم شده است و هر پدیده یا فرد "غیر خودی" را طرد و نفی می کنند، زنده کردن یا دمدمی زگرگداشت او، وظیفه تمامی شاگردان او و تمامی انسانهای است که به خاطر سرنوشتی رژیم وابسته و استبدادی، از صمد و از خصائل والای او یعنی ایمان و اعتقاد به توده ها و نپرسیدن از مرگ و جرات به مبارزه الهام گرفته است.

یاد او را اگر می یاداریم و در جهت تحقق آرمانهای او رسیدن به آنچه که صمد و صمد ها برای زندگی کردند و در راه آن جان دادند، زانو... بیاموزیم!

اخبار نیرو و جای سیاسی

نظرات سازمانها و گروهها

درباره اعتصاب کارگری لهستان

گروهها و سازمانهای مختلف، برخورد های متفاوتی با اعتصابات کارگری لهستان کرده اند. آنها که با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم خط کشی و مرز بندی دارند صریحاً از این اعتصابات پشتیبانی کرده و آن را نشانه فد کارگری بودن حزب و رژیم حاکم در لهستان دانسته و در این رابطه، باند های انتقادی طلب هوادار روس را افشا کرده و به گروههای متزلزل هشدار داده اند. برخی نیز با تردید به این مبارزات برخورد کرده اند.

در زیر نظرات تعدادی از گروهها را برای اطلاع خوانندگان "رنجبر" چاپ می کنیم.

اتحادیه کمونیستها:

رادر این مورد پس دیده اند و در آن ستون گذا بی "در کشورهای سوسیالیستی چه می گذرد؟" نشان اصلا نشانده ای و کوشه ای از این اعتصابات نیست. آنها "سکوت" (با بهترین است بگویم هفتان) را جایز دانسته اند. موضوع آنقدر رسوا کننده است که ما بین خائنین حتی جرات نکرده اند که طبق معمول همیشه شان این مبارزات را به "سیا" و آمریکا بسندند و یا ناسی از تبلیغات "امپریالیستی" بدانند...

"حقیقت"، ارگان "اتحادیه کمونیستها ی ایران"، شماره ۸۶، زیر عنوان: "اعتصابات کارگری در لهستان و "سکوت"، رویزیونیستهای "وطنی" می نویسد:

"این اعتصابات و مبارزات کارگری، و رشکستگی کامل رویزیونیسم را با ردیگر به نمایش گذارد. کسانی که دم از "سوسیالیست بودن این کشورها و رهبری احزاب طبقه کارگر" (۱) در این گونه کشورها می زنند باید بیاندیشند که چرا در یک کشور سوسیالیستی کارگران مجبورند نزدیک به دو ماه برای افزایش دستمزدها متناصب با هزینه زندگی دست به اعتصاب بزنند؟ آیا، مگردلیلی جز این میتوان یافت که این کشورها سوسیالیستی نبوده و به مانند همه کشورهای سرمایه داری، کارگران میبایستی بزور حق خود را باز ستانند؟

این کسان باید بیاندیشند و به این سؤال پاسخ گویند که چرا کارگران خواهان ایجاد سندیکا های مستقل از حزب کمونیست" (که گویا تراست رهبری طبقه کارگر رادر دست داشته باشد و مدافع منافع طبقاتی این طبقه باشد) میباشند؟ آیا مگردلیلی جز این میتوان یافت که اینگونه احزاب تغییر سرب ما هیت داده و بجای احزاب طبقه کارگر به باند های رویزیونیستی ضد کارگر و مدافع بورژوازی نوین این کشورها (تبدیل) گردیده اند؟ "حقیقت" سپس می افزاید:

"این کسان اما "سکوت کرده اند! رویزیونیستهای خائن حزب توده که داغ نوگری اربابان روسی را سالها است که برچهره دارند و وظیفه شان سیاه راسفیدنشان دادن است، هوا

برخورد کرده و می نویسد: "رهبران چریکهای فدایی خلق (اکثریت) نیز که بتازگی بطور آشکار و علنی خود را به ارباب رویزیونیستهای توده ای ارباب کرده اند، نیز "سکوت" را پیشه کرده اند. اینان که بتازگی به این کاروان بدنام و بدبخت ملحق گردیده اند، میتوانند در باره المپیک مسکو در روزنامه "کار" نشان صفحه سیاه کنند و آن را مظهر "اتحادیه خلقها و کشورهای انقلابی به رهبری اتحاد شوروی" جا بزنند و لیستست مدالیهای توزیع شده را چاپ کنند و برتری سیستم سوسیالیستی را برخ خوانندگان خود بکشند، ولی در این مورد، در مورد کارگران اعتصابی لهستان قلمها پتان خشک می شود؟ ولی آخر چه میتوانند بگویند؟"....

... این سرراخ کرده اند تا طوفان در شود. اینان در دل خدا خدا میکنند تا این اعتصاب ها هر چه زودتر تمام شود تا اینان تحت فشار و با سخوی نیباشند! و ایس هیج نیست جز نتیجه انحطاط رویزیونیستی که سردمداران چریکها (اکثریت) بدان مبتلا گردیده اند!

در ایران وفودت مقابل به مردم این نوظدهها به تشریح مشکلات موجود در جامعه و از جمله به مشکلات معیشتی و رفاهی مردم و عدم اجرای قانون در کشور پرداخت و افرودنگه هتورهم قانون اساسی حکمفرما در مملکت حکمفرماست و باید این هرچ و مرج از بین برود. وی همچنین اظهار داشت که باید امکان رفاهی مردم از نظر نژاد من کرد.

این در ستاد است که مردم ما برای شکم انقلاب نگردد اولی این مسئله نباید مورد سوء استفاده عدهای قرار بگیرد که هر وقت مردم را مسائل رفاهی خود حرفی میسرند در جواب میگویند که معنویت عمده است؟ مسئله معنویت و مسائل مردم جدا هستند....

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی عراق تصویب شد

دوروز آئینیه شهر پور ماه که طرح دو فوریتی فوق‌الذکر از طرف اکثریت نمایندگان رده شده بود طرح دو فوریتی دیگری که برای استقرار امنیت و ترسیم و تقویت جاده‌ها و پایگاههای مرزی ایران عراق در قمر شیرین به مجلس ارائه شده بود پس از توضیح کوتاهی در مورد اهمیت این طرح در امور انقلاب با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

عراق و نوظده‌ها و با بر قدرت

را مضل نموده اند. آنها در سه چهار روز اخیر با نگاه "بالا" و نزدیک قمر شیرین را زیر آتش توپها و کلوله‌های خود قرار داده و حتی به خود شهر نصر شیرین نیز حمله کرده اند. در این حملات چندین نفر خمی و دو نفر مسافر نیز کشته شده اند اما نیروهای عراقی پیشروی چندانی نگرده و با پاسخ تند نیروهای ارتشی و پاسداران و تحمل تلفات عقب نشسته اند. واکنشون سرگرم نقل و انتقالات نظامی در طول خطوط مرزی و تحکیم مواضع و استحکامات خود برای حملات بعدی هستند، گویا آنها با این نگرشها و عقب نشینی‌های بی درستی در بنیافته اند که با نیروهای صهیونیست دوست و اسفلال طلب ایرانی که برای اسفلال خود از رژیم سکاگان و امیرالایم سالها مبارزه کردند و اکنون نیز میکنند نمیتوانند درگیر شده و بیروز شوند.

رژیم خودگام همدا م حسن برای حفظ سلطه خاندان نکرستی و جلوگیری از رشد آگاهی و مبارزات مردم عراق و نیز مقابله با تاثیرات انقلاب ایران، در داخل و خارج از کشور دست به جنایات و کشتارهای فراوانی میزند.

رژیم بعث هرگز قصدی برای آزادخواهی و آزادیخواهی را در نظر نگرفته و هرگز استلای و آزادخواه را سرکوب نمی کند. اس رژیم نادرستی گرفتن رومیای عدالتی، برادریستی و سعیتی بین ملت و خلفهای مختلف سیرتین سم را بر طبق کرد عراق روا می‌دارد.

رژیم بعث علاوه بر کردهای عراقی هزاران خانواده ایرانی را آواره و سرگردان کرده است.

رژیم بعث همواره سبب سبب مردم در سطوح مختلف دیکتاتوری خود را سبب ارتش است. طبق عراق دست به مأمورهای رسوا شده میرسد، عدام حسین مراسم شاکرد آقا زیناب جمهوری را سبب حسن های با کداری شاه مطبوع و معدوم ایران سرکار می‌کند. و از سدن برکت برای مردم عراق دم میزند. عاقل از آنکه ما به جای

لرزان حکومتی دیکتاتوری مثل عراقی که بر سر برده‌ها و اسار سلطه‌ها مکنی هستند محسوسند با این خود آرای‌ها یا با رما سبدهما نظور که رژیم شاه سیرا فریاد "مسس محوایم ایران را بسوی سدن بزرگ سرم" به رانده‌ان با رخ رفت.

رژیم فاشستی عراقی که در داخل کشور دست به این اعمال میرسد در تلاش است با هر صوسی و سلط خود

و خاندانش را بر منطقه نیز اعمال کند از این رو دست به کارهای از قبیل حمله به ایران میزند که در اصل نسه تنها منافع و منافع او را بر آورده نمیکند، بلکه فقط در جهت بر آورده شدن مقاصد دوا بر قدرت که به سنا سلط و کنترل منطقه است، یکبار گرفته شده و به آلت دست این سب و تبدیل می‌گردد. چنانکه می‌بینیم این رژیم در حال حاضر عراق را به یکی از مهمترین پایگاههای توطئه دوا بر قدرت علیه ایران تبدیل کرده است.

از یک طرف عمال آمریکا و رژیم سابق، سلطنت طلبان و دار و دسته یالیزبان اویسی و بختیارو دیگر خود فروختگان داخلی در عراق متعول فعالیت و توطئه علیه انقلاب ایران هستند و تحت حمایت عدام حسین علیه انقلاب ایران طرح تجاوز نظامی می‌ریزند و در کنار نیروهای بعثی ارتشی مزدور خود را برای حمله به ایران آماده میکنند.

از طرف دیگر بر قدرت روسیه اسلحه و مهمات در اختیار این رژیم می‌گذارد تا به وسیله عمال خود در کردستان را مسلح و علیه دولت و رژیم جمهوری اسلامی بیخ نماید.

از قدرت روسیه که می‌کوشد تا حمایت خود را از رژیم عراقی به سارد و در داخل و خارج از کشور اسلامی ایران ببرد این رژیم سرانجام متعول می‌گردد و منافعات جمهوری آذربایجان را بیکدوره سکوت و با اطلاعاتی محدود سخن روستا در عراق سرانجام سست شده این مصالحه هشیار شده و بطور هر حد مصرانه تری خواهان قطع مرمین اسلحه شوروی به رژیم عراق ندانند درک اس مصالحه غیر برای جمهوری اسلامی ایران در ای اهمیت است زیرا حمایت آمریکا و روسیه از رژیم عراق یعنی ارتشهای امیرالایم سسی این دوا بر قدرت در منطقه است. رتاسی که در ارتش است "هم مرتی، هم غری" رژیم عراق را مگان رعد و سگامل می‌باید و اسفلال و

صاح کشورهای منطقه را به محاط طره می‌اندازد و به حینجه متحد حلقه‌ها و کدوهای حیوان سوم در سراسر سلطه جوی دوا بر قدرت ضربه وارد می‌آورد.

امانه دوا بر قدرت که هم اکنون علیه اسفلال و انقلاب ایران سنده میکنند و به رژیم دیکتاتوری عراقی در مقابل آگاهی، بیخ و شکل نوده‌ای مردم کشورشان نخواهند توانست به مقاصد خود برسند و مردم مایه هیچ بیگانه و ندرت جارجی اجازه دخالت و نفوذ در ایران را نمیدهند.

از یک طرف عمال آمریکا و رژیم سابق، سلطنت طلبان و دار و دسته یالیزبان اویسی و بختیارو دیگر خود فروختگان داخلی در عراق متعول فعالیت و توطئه علیه انقلاب ایران هستند و تحت حمایت عدام حسین علیه انقلاب ایران طرح تجاوز نظامی می‌ریزند و در کنار نیروهای بعثی ارتشی مزدور خود را برای حمله به ایران آماده میکنند.

از طرف دیگر بر قدرت روسیه اسلحه و مهمات در اختیار این رژیم می‌گذارد تا به وسیله عمال خود در کردستان را مسلح و علیه دولت و رژیم جمهوری اسلامی بیخ نماید.

از قدرت روسیه که می‌کوشد تا به حمایت خود را از رژیم عراقی به سارد و در داخل و خارج از کشور اسلامی ایران ببرد این رژیم سرانجام متعول می‌گردد و منافعات جمهوری آذربایجان را بیکدوره سکوت و با اطلاعاتی محدود سخن روستا در عراق سرانجام سست شده این مصالحه هشیار شده و بطور هر حد مصرانه تری خواهان قطع مرمین اسلحه شوروی به رژیم عراق ندانند درک اس مصالحه غیر برای جمهوری اسلامی ایران در ای اهمیت است زیرا حمایت آمریکا و روسیه از رژیم عراق یعنی ارتشهای امیرالایم سسی این دوا بر قدرت در منطقه است. رتاسی که در ارتش است "هم مرتی، هم غری" رژیم عراق را مگان رعد و سگامل می‌باید و اسفلال و

صاح کشورهای منطقه را به محاط طره می‌اندازد و به حینجه متحد حلقه‌ها و کدوهای حیوان سوم در سراسر سلطه جوی دوا بر قدرت ضربه وارد می‌آورد.

"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" نیز در شماره ۶۹ "بیکار" مجددا به اعتبارات کارگران لهستان برخوردار کرده وزیر عنوان: "رشد مبارزه طبقاتی و رسوایی رویزیو-نیم مینویسد:

"تا بدین امر برای آن دسته از جریانی که تحت تاثیر تبلیغات مسموم کننده سوسیال امیرالایم شوروی و شوکران بومیان و آلودگی‌های رویزیونیستی شان، اینگونه کشورها را با صلاح سوسیالیستی میدانند، شکست آوربا شد. آخر مگر می‌شود در یک کشور سوسیالیستی کارگران نتوانند اتحادیه‌های خود را بوجود آورند؟ مگر میشود در یک کشور سوسیالیستی، خود کارگران در زندانی "دیکتاتوری پرولتاریا" باشند؟ چگونه است که کارگران در لهستان سوسیالیست خواهند آزادی زندانیان سیاسی هستند؟... چگونه است که در یک کشور سوسیالیستی روزنامه "کارگر" به طور مخفیانه چاپ و منتشر میشود؟"

"بیکار" رئیس خود به این سئوالات پاسخ داده و مینویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "رویدادهای اخیر لهستان علاوه بر اینکه بیانگر مفاومت طبقه کارگر در برابر سیستم سرمایه‌داری است، نا پذیرش بورژوازی است، در عین حال هشدار است برای آندسته از نیروهای صادق جنبش کمونیستی ایران که مرز بندی روشنی با رویزیونیسم و سوسیال امیرالایم نداشته و بین مارکسیسم لنینیسم از یک طرف و رویزیونیسم از طرف دیگر در نوسانند..."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

سئوالات پاسخ داده و مینویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

"بیکار" در ادامه می‌نویسد: "واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، نه در دست طبقه کارگر و نه حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و طبقه طبقه کارگر است... این رویزیونیستهای حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتوری بورژوازی را اعمال میکنند. این دیکتاتوری حاکم بر لهستان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبارات زده است."

ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانید

بانک ملی ایران

کمکهای خود را

به حساب بانکی زیر

واریز نمائید:

شماره حساب ۴۵۳۶۸

تهران - شعبه خیابان پیرانشهر

اخبار کارگری - دهقانی

اخراج و ایجاد شبکه پلیسی در محیط کار

کارفرمای شرکت نان ماشینی "اکستودرما شین" شیراز، در ماه رمضان که تولید پائین آمده بود از ۲۴ نفر فقط ۱۴ نفر را نگه داشته و بقیه را اخراج کرده است.

این کارفرما برای اینکه دستش برای اخراج باز باشد از کودکان و جوانان زیر ۱۵ سال کار می کشد که حقوق آنها را هم روزی ۲۵ تومان تعیین کرده است. او برای اینکه برای بیرون کردن کارگر نخواهد حقوق و مزایایی بدهد کارگران را زودبزه زود اخراج می کند و فقط تعداد کمی از کارگران که مسئول ماشین هستند در این شرکت مشمول اخراج نمی شوند.

کارگران اخراجی در صحبتی که با خبرنگار "رنجبر" داشتند می گفتند که: "این کارفرما در کارخانه سیستم جاسوسی برای شناسایی کارگران سیاسی و بعد اخراج آنها به راه انداخته است... کارفرما حتی نمی خواهد پول اضافه کار کارگران را که نقش مهمی در کل حقوق کارگران دارد، بدهد... او بر علیه یکی از کارگران که مسئول نوشتن اضافه کار بوده و این کار را بدرستی انجام میداده توطئه کرده و اخراجش نموده است."

۲۶۰۰ روستا

پس از انقلاب صاحب برق شده اند

وزارت نیرو اعلام کرد که طی یکسال ونیم پس از انقلاب ۲۶۰۰ روستا صاحب برق شده اند. این خبر طی یک گزارش مفصل شامل اطلاعاتی درباره برق رسانی، آبرسانی و... عملکرد وزارت نیرو از بهمن ماه ۵۷ تا مرداد ماه ۵۹ اعلام شده است. براساس این گزارش تعداد کل روستا های برق دار کشور پیش از انقلاب جمعا ۴۱۸۶ روستا بوده است و مطابق یک برنامه فشرده قرار است در هر سال به حدود هزار روستای جدید برق داده شود.

توسط فارغ التحصیلان بیکار

به مرحله اجرا در آمده است

۵۸ طرح عمرانی

ساری - مرکز گسترش خدمات تولیدی ما زندران، که به منظور اشتغال بیکاران با دو میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال اعتبار از اوایل سال جاری کار خود را آغاز کرده است تاکنون ۵۸ طرح تولیدی و خدماتی را توسط فارغ التحصیلان بیکار به مرحله اجرا در آورده است.

به اظهار رئیس این مرکز ۱۸۵ میلیون ریال برای اجرای این طرحها در اختیار فارغ التحصیلان بیکار قرار گرفته شده است و با پیشرفت کارها بقیه تعهدات نیز پرداخت خواهد شد.

می خواهیم کشاورزی کنیم،

ولی امکانات نداریم

چهرم - یکی از کشاورزان در مورد موانعی که در راه رشد و گسترش کشاورزی در چهرم وجود دارد به خبرنگار ما چنین گفت:

پای در ددل کارگران موزائیک سازیهای گران

است که دفتر چه بیمه دریا فت کرده ایم. همه این کارگرانی که در اینجا هستند، تقریبا همه با هم فامیل هستند و بنا بر این نمیتوانند حرفی به کارفرما بزنند."

"محمد مهروی" در دنباله حرفهای خود افزود: "من در حدود ۴ سال است که اینجا کار میکنم و ۶ سال نیز در کارگاه دیگری کار کرده ام و کارفرمای اینجا بمن گفت اگر در این کارگاه کار کنی حقوقت را زیاد خواهم کرد و بیمه هم میشوی و وعده و وعیدهای دیگر که بعد از دزدیش که کدام کارگر در اینجا بیمه است که تو باشی."

"احمد محمودی" یکی دیگر از کارگران میگوید: "من سواد ندارم، کارفرما کارهای را آورده و گفت کسه اینجا را انگشت بزن، من که نمیدانستم چیست و فکر میکردم حق بیمه یا مزایا یا چیز دیگری است، انگشت زدم و بعد فهمیدم تعهدنا مه است، من سه سر عا ئله دارم و مدت ۵ سال است که در اینجا کار میکنم، وضع زندگی ما خوب نیست و در خانه های اجاره ای با ما های ۳۰۰ تومان زندگی میکنیم." از کارگران پرسیدیم که آیا شما

خبرنگار رنجبر در گرگان، این بار برای تهیه گزارشی از وضع زحمتکشان، به میان کارگران موزائیک سازیهای گرگان رفته و به دلایلی آنان گوش فراداده است که در زیر این گزارش را میخوانید.

* * * * *

برای تهیه گزارشی از وضع زندگی و کار کارگران کارگاههای موزائیک سازی گرگان، در ابتدا به یکی از این کارگاهها سرزدم. ولی کارفرما نه تنها خود را سخاوتمند به سئوالات ما ظفر رفت، بلکه کارگران را نیز از گفتگویی با ما برحذر داشت.

به کارگاه دیگری مراجعه کردیم و در آنجا موفق شدیم با کارگران صحبت کنیم. یکی از کارگران بنام "فیوج" در مورد وضع کار گفت: "ما روزی هشت ساعت کار میکنیم. کار ما کنترالی است و حدودا ۴۰۰ موزائیک در روز تولید می کنیم. وضع ما حالا بهتر از قبل از انقلاب است و ما بیمه هستیم، البته نا راحتی و کمبود در زندگی ما هست، ولی چکنیم خود کارفرما هم وضعیت بدست وزیر قرض است و نمیتوانیم از او چیزی بخواهیم."

کارگر دیگری بنام صفر علی کمیزی می گفت: "من پنج سر عا ئله دارم و فقط من کار میکنم. وضع ما خیلی خراب است و روزی ۸۰ تومان مزد میگیرم. خانه ندارم تنها یک اتاق کوچک در کنار رودخانه دارم. زمینهای زیادی در کنار ما داریم (که مال مهندسی بوده است) مصا دره شده و گفته اند که آنها را به مستضعفین میدهند، آخر ما با دید فهمیم مستضعف کیست؟!"

به کارگاه موزائیک سازی دیگری نیرویم و پای در ددل کارگران آنجا میشینیم. در این کارگاه هشت کارگر روز مزد کار میکنند. نما بیند کارگران میگوید: "کارفرما کارگران را تحت فشار قرار داده تا پای تعهد نامه ای را امضاء کنند که طبق آن کارگر متعهد میشود که مزایا و غیره را دریافت کرده است و اگر کارگری این ورقه را امضاء نکند، اخراج میشود."

سندیکا دارید یا نه، آنها جواب دادند که بله سندیکا داریم ولی این سندیکا هیچکاری برای ما نکرده است. سندیکا فقط کاغذها را برای کارفرما آورده است که حقوق کارگران باید چه جور باشد و کارفرما نیز زرنگی کرده و کاغذ درست کرده اما امضا کنیم که حق اولاد و مزایا را گرفته ایم ولی تاکنون از مزایا خبری نشده است.

به کارگاه دیگری نیز سر زدیم. "عیسی دهقان" استادکار می گفت: "تعداد کارگران اینجا هفتاد نفر است و نصف کارگران رسمی و باقی روز مزد هستند. من ۱۳۰ تومان مزد میگیرم و وضع بدن نیست. برای بیمه عیدی کارگران موزائیک سازی می گفت: "من ۲ سر عا ئله دارم و هفته ای ۵۰۰ تومان حقوق میگیرم و کسم و بیش زندگیمان را میگذرانیم. شورا تشکیل داده ایم و وضع ما از قبل از انقلاب بهتر شده، خواسته ما این است که به ما وام بدهند ولی نمیدهند اگر کارگری یک روز کار نکند، یک روز جریمه خواهد شد."

با کدام مجوز سپاه ارسنجان،

دسترنج دهقانان را ضبط می کند؟

چند مدت پیش هم بر سر ضبط دسترنج زحمتکشان این منطقه درگیری روی داد که در جریان آن دسترنج کشته شدند. لیک طرف این درگیری، باز هم سپاه پاسداران ارسنجان بود!

باید از سپاه پاسداران ارسنجان پرسید که وظیفه شما پاسداری از چه کسانی است؟ از مستضعفین یا مفتخواران؟ آیا این زحمتکشان جزء مستضعفین نیستند؟! مگر نباید شما مجری احکام دادگاه انقلاب باشید؟

وقتی که این زحمتکشان با توافق دادگاه شیراز، سپاه پاسداران شیراز و... کار کشت و زرع را به پیش برده اند، با کدام مجوز، دسترنج آنها را ضبط می کنید؟! از این طریق می خواهید اقتصاد خودکفا را پایه بریزید که ملت مظلوم ما بتواند برابر برابری قدرتهای

زارعین محروم "حسین آباد" ارسنجان، طی نامه سرگشاده ای به ریاست جمهوری به ضبط گندم حاصل دسترنجشان از طرف سپاه پاسداران ارسنجان، اعتراض کردند.

این زحمتکشان که کار کاشت و برداشت محصول را با توافق دادگاه انقلاب شیراز، سپاه پاسداران شیراز و هیات ۷ نفری ارسنجان، به پیش برده بودند، در بخشی از نامه خود نوشتند:

"در مقابل اعتراض و چشمان گریان ما به عنوان دستور از سپاه پاسداران ارسنجان کلیه گندم ما محرومان را به جهاد سازندگی ارسنجان بردند، گندمی که بذر، کود و کلیه مخارج آن را خودمان پرداخته بودیم... بعد از این حادثه با کلیه اسناد به هیات ۵ نفری مستقر در فرمانداری مرودشت شکایت بدیم که هنوز رسیدگی نشده است."

"اینجانب لطفعلی جهرمی شمسی دارنده یک قطعه زمین درجه ۴۶ تاکنون به میزان ۲۰ هکتار که با ۱۱ خانوار شریک هستم از سال ۴۶ تاکنون برای ته زنی یک حلقه چاه برای مصرف کشاورزی و درختکاری دوندگی کرده ایم و تا بحال به ما اجازه نداده اند - زمین ما الان بی مصرف افتاده ولی در صورت وجود آب میتوان از آن بهترین استفاده را نمود. ۲۰۰ خانوار کشاورز درجه ۴۶ همین گرفتاری بوده و خواستار رسیدگی سریع به این موضوع هستند. ما می خواهیم کشاورزی کنیم، ولی امکانات نداریم!"

ظاهراً مقامات مسئول درجه ۴۶ علت اجازه ندادن را "کم بودن میزان ذخایر آب زیرزمینی و نرسیدن آن برای آب آشامیدنی جهرم" ذکر کرده اند.

دانشگاه کامیون شیراز خواستار عضویت در شرکت تعاونی هستند

حدود ۵۰۰ نفر از رانندگان کامیون شیراز ضمن جمع شدن در جلوی استانداری فارس خواستار عضویت در شرکت تعاونی رانندگان شدند. معاون استانداری فارس به این رانندگان که عضو سندیکای ۹۰۰ نفری هستند قول رسیدگی داده است.

نامه یک کارگر نقاش به رنجبر

با چند سال سابقه کار، روزانه ۲۰ تومان مزد میگیرم

من یک کارگر نقاش اتوموبیل هستم که در حدود ۲۰ سال سن دارم و در تعمیرگاه ایران ناسیونال آمل مشغول بکار هستم و قبل از اینکه به خدمت نظام وظیفه بروم، به همین شغل در همین کارگاهها اشتغال داشتم. پس از پایان دوره سربازی برای کار مجدداً به کارفرمای سابقم در همین مکان مراجعہ کردم. ولی صاحب آن از پذیرفتن و کار کردن من در اینجا خودداری نمود. من به این موضوع اعتراض کردم که چرا از دادن شغل بمن خودداری میکنید و در نتیجه دست به اعتراض شدید و دفاع از خودم زدم که این امر باعث شلوغ شدن کارگاه و سروصدا در آن محیط شد که تعدادی کارگر دیگر هم در آنجا مشغول بکار بودند، شد. صاحبکار با این وضع کمی سر درگم شده و ترسیده بود برای اینکه مرا ساکت کرده و از تشنج جلوگیری کند، رضایت به استخدام من داد، و من دوباره شروع بکار کردم. اکنون با وجود اینکه حدود چند سال است

آمل - حسین مظلوم

میگفت: "ما این ور قهرا امضا نکردیم و حالا سه ماه است که حقوق ما را پرداخت نکرده اند. من سه سر عاقله دارم و روزی ۵۵ تومان میگیرم و کنتراستی حقوق میگیرم. از بعد از انقلاب تا حالا فقط ۵ تومان به حقوق ما اضافه شده که با این گرانی چه کار میشود کرد. چند هفته

گفتگو با یکی از مسئولین هیئت ۷ نفره تقسیم اراضی فارس

خبرنگار "رنجبر" در شیراز طی تماسی که با یکی از مسئولین هیئت هفت نفره تقسیم اراضی در فارس گرفت، نظراتشان را در یکی دو مورد جویا شده است که عیناً در زیر میخوانید.

* * * * *

رنجبر - تا بحال چه اقداماتی انجام داده اید و در چه مرحله ای هستید؟

جواب - تاکنون اراضی را که باید تقسیم کرد (شامل اراضی مصادره شده، اراضی فئودالها و مالکین بزرگ اراضی منابع طبیعی و مراعاتی که پروانه چرای برای عشا پرندها داشته باشد و...) را مشخص کرده ایم. اراضی منابع طبیعی را داریم تندتند تقسیم میکنیم. ولی برای زمینهای

ده "کوهین" در تنگ شول (پشت کوه کام فیروز) تا اردکان فارس ۴ فرسخ فاصله دارد که باید با پای پیاده یا با الاغ یا مال بیائیم سر خط. تا آنجا هم که برسیم مریضان تلف میشود. برایمان نه روغنی میآید، نه هیچی. از رسیدگی دولت بی نصیب هستیم و نه حمامی. یک مدرسه ای با بودجه خودمان، شل و گلی ساختیم با تیر بلوط و این چیها. از کشت بلوط اموراتمان نمیگذرد و مجبوریم بیائیم "رامجرد" یا مرودشت، روی زمین اجاره ای شلتوک کار میکنیم و آنجا هم که تامین از دست افراد مسلح که از طرف خوانین بسیج میشوند، نداریم (در محل "زرقانک"). همراه با این کار فعلی هم می کنیم تا خرج زن و بچه خودمان را در -

این زحمتستان در پایان نامه خود مید کرده اند که: "زمین حق آنها بوده و حدود ده سال پیش بوسیله شخصی از طریق مکیدن خون آنها و دهها نفر از زارعین این منطقه صاحب چندین تلمبه و منازل شخصی شده است و سپاه ارسنجان به جای حمایت از این زحمتکشان محروم، طرف این فرد مفتخور ایستاده است."

از دهقانان هیچ چیز نمیگیریم

ما لکان و فئودالها و... کمی کارمان طول میکشد و هنوز شروع به تقسیم نکرده ایم. ما، هیئت های تحقیق داریم که به روستاهای مختلف میروند و روی مسئله زمین در آنجا تحقیق میکنند، بعد "شورای اسلامی روستا" را در هر ده تشکیل میدهم که نمایندگان آن با ما در تماس هستند. بهر حال کار تقسیم زمین را طوری پیش میبریم که نمیگذارد ریم کشت یا نثار عقب بیا فتد.

جواب - از دهقانان هیچ چیز نمیگیریم، به مالکان هم چیزی نمیدهم، فقط اگر مالک بخواد هد روی زمین کار کند، تا ۳۰۰۰ برام مقداری که سهم هر کشا و رز از تقسیم زمین است (و اگر نخواهد کار کند تا ۲ برابر سهم هر کشا و رز) به مالک زمین میدهم.

رنجبر - راجع به نیازهای دیگر کشا و رزان (وسایل کشاورزی، آب، کود، بذرو...) چه اقداماتی میکنید؟

جواب - میدانی که زمین تنها فایده ندارد. حدود ۴ میلیارد تومان بودجه برای کمک به کشاورزان، درسرا ایران اختصاص داده شده

این زبان حال زحمتکشان این روستاست که ۵۰ خانور روبهم ۶۰ هکتار زمین دارند (از این ۶۰ هکتار ۴۰ هکتار آبی و مابقی دیمی است). زحمتکشی از این روستا که این مطالب را میگفت ادامه داد: "برای خط، حمام، مدرسه، درمانگاه و این چیها در مضیقه هستیم. باغ گوجه و سیب داریم که بعلت این که جاده درستی نداریم در محل نطفه می شود. گندم فروشی نداریم. او در مورد خرج و دخل یک هکتار زمین برای شلتوک این آمار را در اختیار ما قرار داد."

مقایسه دخل و خرج و مشکلات زحمتکشان روستای کوهین - فارس

خرج یک هکتار شلتوک کاری
۴۰۰ من شلتوک بابت اجاره
۱۸۰ تومان بابت دیسک
۲۰۰ تومان بابت شلک (که زمین گل شود)
۸۸۰ تومان بابت آبیاری (۵/۵ ماه)
نشاء (کلکی) ۱۳۰ و ۱۲۰ تومان مزد درو و ۱۶۰ من شلتوک.
محصول
۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ من شلتوک
مطابق این آمار، ۱۱۸۶ من شلتوک عاید این زحمتکش میشود که حاصل شش ماه تلاش و کار پیگیر او میباشد، که تقریباً میشود روزی ۶/۵ من شلتوک که با قیمت منی ۱۰ تومان میشود روزی ۶۵ تومان!

«مائوئیسم»، چماق ارعاب حزب توده علیه مسئولان جمهوری اسلامی

بازمدای صحنه جغدوار و نسوم دارودسته کیا نوری علیه شخمتیا ، رهبران و نیروهای استقلال طلبی و ضد دوا بر قدرت بلند شده و تحسنت عنوان "مائوئیسم - همکارا میریا- لیسیم، بخش وسیعی از مسئولین و ارگان های مملکتی و خط استقلال طلبی را مورد حمله و فحاشی قرار داده است. (روسا مه "مردم" شماره ۱۸ چهارشنبه شهریور).

بتواند موقعیت و دیدگاه آنها را ضعیف و ضربه بپذیرد.

گناه رهبران انقلاب!

نوکران روسیه در حمله به موضع استقلال طلبانه و خط نه شرقی نه غربی حاکم بر جمهوری اسلامی و جامعه از این هم فراتر رفته و در توضیح اینکه چگونه مواضع ضد دوا بر قدرت و بقول آنها "مائوئیستی بر بخش عظیمی از کشور ما حاکم شده اعتراض میکنند که رهبران و مسئولان انقلاب و جمهوری مقصود که حاضر نیستند با آنها متحد شوند و به قول روسا مه "جرخیا را در خلیجاها لنگ کرده اند" یعنی چرخ را بسته شدن به شوروی را، آخر آریا با این مزدوران حق طبیعی خود میداند که هر جا خلقهای استقلال خواه جهان آمریکا را بیرون می اندازند، خرس فظی را جانشین آن کنند. به گوشه ای از استدلال این نوکرا نروس که چرا همه "مائوئیست" شدند، توجه کنید: "زمینه مسا عدل برای ایمن اندیشه ها و ارغاض و در درجه اول شناخت و ارزیابی اشتباهات میربخشی از مسئولین و متحدیان جمهوری اسلامی ایران از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در مقیاس ملی و جهانی است. این اشتباه محاسبه، که در برخی اذهان به بصورت نوعی پیدآوری در آمده، خود از یک سو تحت تاثیر شورویهای مندر آوردی و مائوئیستی نظیر "سازش دوا بر قدرت" و "تتر" است، جهان" و امثال آنست...".

ببینیم این مسئولان و متحدیان جمهوری اسلامی که شوروی و نوکران داخلی اش را هم جزو ضد انقلاب میدانند چه کسانی هستند؟ اما خمینی، رئیس جمهور، رهبران مذهبی و سیاسی، بسیار از شخصیتها و نیروهای حاکم و ارگانها و غیره - بجز ممتنی انقلابی نمای تسلیم طلب و مدارا جو.

و قاحت از این بیشترا مکان ندارد. خلاصه حرف این رجاله های مزدورانیست که دیدگاه "مائوئیستها" همه جا نفوذ کرده چون ارگانها و

پاسخ به روس نامه «مردم»
باز دارودسته کیا نوری، ناامید از سازش انقلاب ایران با روسیه، نقشه می کشند تا علیه شخصیتها و مسئولان استقلال طلب و خط استقلال طلبانه تحت عنوان «مائوئیسم»، جو سازی، تحریک و توطئه کنند.

میتوان از زهد دادن بپهوده نیروها و مکانات و طولانی کردن روند درد و دشواری انقلاب اجتناب کرد. و بایست گرمی زور و سلطه گری آریا ب تهدید هم میکنند که "خا شا کسردن واقعیت" یعنی "انقلابی بودن شوروی" چیزی از واقعیت کم نمیکند، فقط سر ما را به سنگ میزند!

جدد بر سر، جقدر توجیح و تا چه حد مزدور و خدمتکار به بیگانه ای مسئولین و ارگانهای جمهوری اسلامی باید سلطه روسیه را بپذیرند یا اینکه نوکران و عمال روسیه یا آنها مارک می چسباند و آنها را "همکارا میریا لیسیم" و "آمریکایی" میخوانند و سرشان را به سنگ سنگ نجا و زگری آریا ب. خواهند کوبید!

جو سازی و تحریک علیه استقلال طلبی

اما دارودسته مزدور کیا نوری از این نوشته سراپا تزویر، انقیاد طلبانه و ضد انقلابی و پسر از دروغ و نیرنگ، بالاخره چه نتیجه عملی میخواهد بگیرد؟ روسا مه همدت خود را در همان ابتدای مقاله و بعد یکم در آخر مقاله بیان میکند. میگوید چون بخش بزرگی از مسئولین و ارگانها ضد دوا بر قدرت هستند و شوروی را هم مثل آمریکا میدانند و

تشویق تسلیم طلبان انقلابی نما

اما با توجه به حاکمیت عمده خط اصیل استقلال طلبانه بر انقلاب

اسلامی و ارگانهای مملکتی، مزدوران روسیه به جهاد میدی و خطا به چه کسانی میخواهند جریان دلخواه خود را علیه استقلال میهن ما برآورد بیدارند؟

پاسخ این سؤال را نیوسر روسا مه "مردم" همواره چه در مقالات گذشته اش و چه در همین مقاله داده است. امید مزدوران روسیه و مورد خطا ب آنها انحرافات موجود در بخشی از حاکمین و انحصار طلبان و تعدادی از عناصر مدارا جو نیست به شوروی است که با لفاظی انقلابی شما بانه، چهره خود را پنهان میکنند آنها بی که تنها آمریکا را دشمن انقلاب و استقلال ما معرفی میکنند و در باره روسیه سکوت کرده اند، آنها بی که ما را بنده پیر قیمتی و حدت را که شرط لازم مقاومت و بیداری در برابر سرنجات و سلطه جوییهای آمریکا و روسیه است، با چماقهای گوناگون بهم برزند. این همان عناصر مدارا جو و تسلیم طلب و به ظاهر "انقلابی" هستند که دارودسته کیا نوری همواره آنان را مانند چپ نماها "فدا میریا لیست"، "مترقی" و غیره خوانده است.

روسا مه در آخر نوشته مزبور میگوید: "هشدار ما بیشتر از همه به عناصر صادق فدا میریا لیست مذهبی است که خطر مائوئیسم را دست کم نمیگیرند". و به این با مطلق "فدا میریا لیستهای مذهبی" خطر مآذات و حتی بی تفاوتی در برابر ترغیبها بی که تبلیغات "دوا بر قدرت" و نظریه "سه جهان" را هشدار میدهند که یعنی علیه کسانی که فدا دوا بر قدرت آمریکا و شوروی هستند اقدام کنید. این کسانی هم همانطور که خود روسا مه اعتراف کرده، بخش بزرگی از مسئولان و متحدیان و رهبران و ارگانهای انقلاب اسلامی ما و دیگر نیروهای استقلال طلب هستند که به عقیده مزدوران روسیه باید با اختلال و توطئه آنها را از "بهرج و باروهای انقلاب" دور کرد.

از اینجاست که واقعیت دیگر نیز که حزب ما و دیگر نیروها و شخصیتهای استقلال خواه همواره بر آن تاکید داشته اند آشکار میشود. اینک که در

بسیاری از جریانهای که علیه مسئولان استقلال خواه و ضد دوا بر قدرت برآه می افتاده - گاه صفحات برخی مطبوعات، همراهِ روسا مه مردم، با حمله و تهمت زدن علیه این مسئولان سیاه میشد، گاه آنها را "سه جانی"، "مائوئیست" و گاه درست بسبب نوکران روسیه "لیبرال" و حتی "آمریکایی" میخواندند، گاه صفحات روزنامه ها مزمین به حملات بی مورد علیه شوروی سه جانی میشد و... همه اینها یک خط روسی بوده که با اندکی نوری و عناصر مدارا جوی انقلابی نهاد را ناگهانی داشته اند و با از برخی اختلافات و انحرافات و عدم آگاهی و دانش کافی برخی افراد در خدمت این خط روسی بهره برداری شده است

سخنی با مسئولان

باید در مقابل اینگونه جریانها هشدار بود و به سیاستها توجه نمود و به حکم "ادب از که آموختی؟ - از بی ادبان"، هر چه با بندگی نوری میخواهد و میکند، باید خلاف آن عمل کرد.

سخن ما با مسئولان و مقامات و ارگانهای جمهوری اسلامی این است که همین نوشته بانده کیا نوری نیز نشان میدهد و واضع برای حفظ و تحکیم استقلال میهن و ادا مبه انقلاب بسیار خوبست و تلاشهای مزدوران و عمال ابر قدرتتها در بیراهه کشاندن انقلاب تا کتبوندان مؤثر نبوده است، منتها باید در برابر حربه ها و سیاستهای مزدوران بیگانه، و در برابر برنفا ق افکنی ها و گروه گرایها هشدار بود و به مصالح کل انقلاب اندیشید باید به رفع هر چه مزج و مشکلات کنونی پرداخت که زمینه میدواری و بهره برداری دشمنان همین تفرقه و مشکلات داخلی است.

فقط در چنین صورتی است که کلیه نیروهای استقلال طلب جامعه ما خواهند توانست توطئه های خطرناک و مودیانه عمال روس را عقیم سازند و وحدت خود را در مبارزه علیه هر دو ابر قدرت حفظ نمایند.

وزیربازرگانی در دیدار با وزیر امور خارجه و بخشهای
وزیربازرگانی در دیدار با وزیر امور خارجه و بخشهای
وزیربازرگانی در دیدار با وزیر امور خارجه و بخشهای
وزیربازرگانی در دیدار با وزیر امور خارجه و بخشهای

«مائوئیسم» بد است یا نه شرقی، نه غربی؟

آنها در این نوشته خود ما ننسند
همیشه، مسئولان، ارگانها و نیروهای
جامعه را به این دلیل تحت تاثير
«مائوئیسم» میدانند که آنها علاوه بر
اینکه ضد امپریالیسم آمریکا هستند،
فدلسلطه جویی، سوسیالیسم امپریالیسم
شوروی نیز هستند، یعنی ضد دوا بر قدرت و
در مجموع استقلال خواه هستند. طبق
اظهارات نوکران روسیه «مائوئیسم»
همهها را به دلیل بد است که بر آنست تا
بقول آنها «سوسیالیسم و امپریالیسم»
لیسم» یعنی شوروی و آمریکا را،
یکسان نشان دهد و می آموزد که شوروی
نیز مثل آمریکا، جنتیکار، متجاوز
و غارتگر است.

روستا مه در اعتراض و حمله به
«مائوئیسم» و شوروی سه جبهه رهیجا
چنین مینویسد:
«راسا س این نظریه، دوا بر
قدرت شوروی و آمریکا همان اول،
جها ن صدور ضد انقلاب، کشتارگاه و
حرا جگاه خلقها هستند».

الحق که چنین است، این نظر
تمام خلقهای جهان، تمام نیروهای
آزادخواه جهان و تمام انقلابیون
جهان است و طرفداران اندیشههای
مائوئیسم نیز همین دلیل و به
خاطر ما هیت واقعبین انقلابی و
مستقلان را به همراه همه خلقها و مللی
جهان اینطور فکر میکنند.

البته روستا مه با ندکیا نوری
کوشش میکند در لایبلای نوشته اش بسا
دروغ برداری در باره طرفداران
اندیشه مائوئیسم و شورویهای انقلابی
آنان و با ادعاهای ز قبیلای بنگه
این تئوریها آمریکا را بی خطر
میداند، با از طریق اروپا میخواهد
وابستگی ایجاد کند، و با گویا امثال
سادات و غیره را انقلابی میدانند و
همچنین با فحاشیهای مزدور منشانه
خود و با تکرار جملاتی چون «مائوئیسم
همکار امپریالیسم است» در خواننده
خود و در افراد میهن دوست مللی و
مذهبی نسبت به طرفداران اندیشه
مائوئیسم ایجاد بدبینی و اکراه میکند.

اما واقعیت همانست که خود نوکران
روسیه جدا از دروغ پردازان و
فحاشیها بی توانستند بنها نکنند
که بقول آنها «مائوئیسم» شوروی
را در سلطه جویی، غارت و تاجا و زمانند
آمریکا میدانند و مخالف سلطه جویی
دوا بر قدرت هستند. منتها روسیه
هر عنصر جریبا استقلال طلب و فساد
دوا بر قدرت «مائوئیسم» ما را که میزند
تا با سوء استفاده از برخی شرایط

همه بعلت اشتباه مسئولان و متصدین
جمهوری اسلامی است که آنها هم همین
طور فکر میکنند و حاضر نیستند شوروی
و عمالش را به دوستی بپذیرند.
اما بهر حال با ندکیا نوری و
روستا مه شان و وظیفه دارند تا جایی
که امکان دارد به ارباب خدمت
کنند.

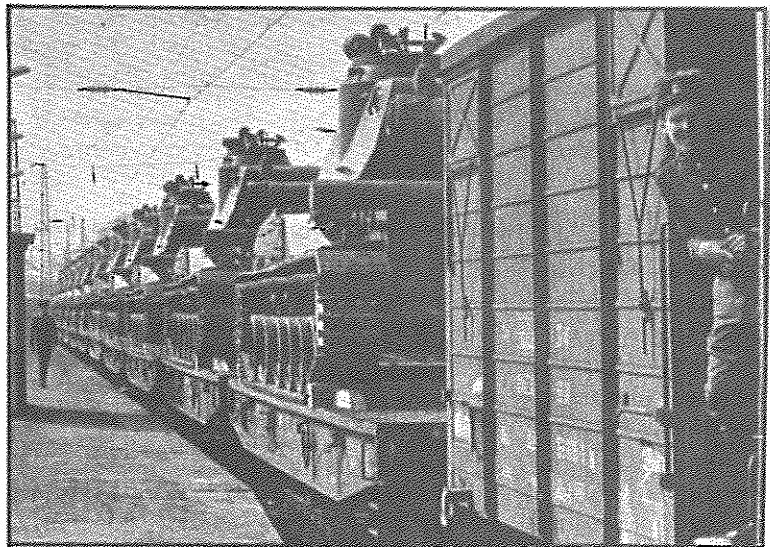
مداحی شوروی

مقاله مزبور در روستا مه پس
از آنکه خط استقلال طلبی و نه شرقی
نه غربی حاکم بر جمهوری اسلامی،
رهبران، مسئولین و ارگانها را
«مائوئیسم» نامید، تسلیم شوروی
شدن را با حمله گرفت و آنها را
«همکار امپریالیسم آمریکا» خواند،
برای تکمیل مقصودش و با اصطلاحات
اینکه شوروی دوست ما است نقل
قولیهای از فیدل کاسترو و له دوان
و همچنین از جلود، بومدین، یا سر
عرفات و ناصرا شاه آرد و مثالی
که خود متوجه شده که برای مردم و
شخصیتهای مستقل ما این نقل قولها
چیزی را ثابت نمیکند، تاکید کرد
که این اظهارات تعارف و نان قرص
دادن نیست. غافل از اینکه مردم ما
امثال کاسترو و له دوان را دیگر
بعنوان جویدست مسکو و عا میل
سیاستهای تزارهای جدید کرملین
میشناسند و در مورد سیاستمداران و
دولتمردانی چون ناصرا، عرفات و
بومدین، در عین حمایت از موضع
مستقل آنها نسبت به امپریالیسم
آمریکا، میدانند که همین تعارف،
نان قرص دادن، گرایش و تکیه به
شوروی اتفاقا عیب و انحراف آنها
است که باعث وجه الماعله قسار
گرفتن و بدبختیهای ملت های ستمدیده
آنها شده است. تغییر وضعیت مصر پس
از ناصرا و مشکلات جنبش فلسطین را
تنها در ارتباط با عدم استقلال کامل
شان از شوروی در مبارزه علیه
آمریکا و نقش مژورانه مسکو در
بهره برداری از اوضاع میتوان درک
کرد.

حال روستا مه با ندکیا نوری با
استناد به این شواهد و بیرحمی
سخنان افراد ذکر شده و وارونه جلوه
دادن حقایق که گویا نکته مثبت و
قوت آنها در تکیه به شوروی بوده، به
مسئولین جمهوری اسلامی ایران
میگوید:

«قا نونمندیهای تاریخ در باره
ما همانگونه عمل میکنند که در باره
دیگران کرده است. یعنی اینکه
«قا نونمندی» ارباب سلطه گران
اینطور حکم میکنند و ما فهم میکنند
«درک با عدم درک این نکته برای
انقلاب ایران و رهبران و مسئولان و
مجریان دولتی آن، اهمیت تعیین
کننده دارد». و در باغ سبزهستان
میدهد که اگر به شوروی تکیه کنید

«نهضت اسلامی افغانستان» علیه اشغالگران روس



بخشی از قوای روسی در آلمان شرقی، رهسار جنگ افغانستان

عبدالقادری جوادی عضو
«نهضت اسلامی افغانستان» طی
مصاحبه ای با روزنامه صبح آزادگان
در باره انقلاب افغانستان مبارزات
دلورانه خلق افغان علیه اشغال
گران و متجاوزین روسی و معضلات
جنبش سخن گفت.

وی ابتدا درباره تاریخچه
«نهضت اسلامی» و برنامه آن که
مجموعا در جهت مبارزه بسرای
استقلال، آزادی و رفاه خلق بود و
نیز درباره جبهه آزادیبخش
انقلاب اسلامی افغانستان که متشکل
از ده سازمان و حزب است، صحبت
کرد و سپس به سوالات خبرنگار پاسخ
گفت که قسمتهای از این سئوال
و جوابها را در زیر می آوریم.

● آیا شوروی در افغانستان
از سلاح های شیمیایی استفاده میکند؟

— این مسئله برای تمام ملت
افغانستان روشن شده است و شواهد
آن کاملا در بقایای جنگ دیده
میشود. شوروی از این سلاح در حومه
کابل، شمال افغانستان و ایالت
با میان استفاده میکند. علاوه بر
سلاح، شوروی از بمب های خوشه ای
استفاده میکند که هر کدام ۱۲۰
کیلوگرم وزن دارند که عکسپاشان
موجود است. ضمنا شوروی از سلاح
کاملا مخوفه دیگری بنام تکنج
استفاده میکند که معمولترین آنها
کشتن فرزند نزدیکان و با عکس،
ناخن کشیدن، شوک الکتریکی،
پاره کردن قسمتهای مختلف بدن یا
تیغ و غیره می باشد.

● آیا عملیات جنگی ایمن
نهضت در افغانستان سازمان یافته
است؟

— ما در تمام عملیاتی که
انجام میشود کاملا متشکل هستیم و
هر یک از کارهای رزمی ما قبلا در
شورای مرکزی تصویب می گردد.

● آیا نفوذ نیروهای رنجایی
و فئودالی در جنبش را تا نسیس
می کنید؟

— بهیچ وجه، زیرا امروز با کمک
نیروهای جوان و روحانیت مبارز
توسط کمیته ها، نیروهای رنجایی و
فئودالی تصفیه شده اند. در اوایل
انقلاب اسلامی فئودالها نفوذ زیادی
داشتند ولی چون وجود آنها بسرای
انقلاب ضرر داشت و مدت زیادی مردم
را استنما ر کرده بودند، لذا توسط
جنبش برکنار شدند.

● موضع جبهه و نهضت در برابر
امپریالیسم آمریکا چیست؟

— امپریالیسم آمریکا گزینه
جها نخواستگی دارد و این گزینه بسا
چون کشتن التیام می باید و این
مطلب در باره امپریالیسم شوروی که
نا جوانمردانه ملت مسلمان افغان
نستان را به خاک و خون میکشد نیز
صدق می کند.

● در زمینه های یدئولوژیک و
فرهنگی انقلابیون برای ملت جبهه
اقداماتی انجام داده اند؟

— در افغانستان نمیتوان
انقلابیون را از مردم جدا کرد، بلکه
کاملا درهم ادغام شده اند، ولی
احزاب اقدامات زیادی در زمینه
رشد فرهنگ انجام داده اند. همان
طور که میدانید اکثر قسمتهای
افغانستان آزاد شده است و در نواحی
آزاد شده احزاب با نظریات، بخش
اعلامیه، تشریح مواضع سیاسی،
تشکیل جلسات و غیره زمینه فرهنگی
مردم را رشد میدهند.

● آیا شما از بودجه صدمیلیون
تومانیه مویبه شورای انقلاب ایران
کمکی دریافت کرده اید؟

— من اطلاعی از دریافت وجبی

رزمی، برتری چشمگیری دارند.

● کسانی که علاوه بر نیروهای
شوروی، در جبهه مبارزه کار میکنند
می جنگند از چه گروههایی می باشند؟

— گروههای مختلفی می باشند.
گروهی از ارتشیان می باشند که
دوران سربازی را می گذرانند و به
اجبار می جنگند و گروهی نیز عا صر
جبهه و حزب خلق و پرچم می باشد و
عده ای مزدور که در ازای مقداری
پول برای رژیم می جنگند. اما یک
نکته قابل ذکر، درگیری میان دو
حزب پرچم و خلق است. زیرا وقتی
نیروهای دولتی برای نبرد می آیند
افراد حزب خلق توسط حزب پرچم
در صدم مقدم قرار می گیرند تا هر چه
زودتر کشته بشوند.

● نهضت اسلامی افغانستان
برای اتحاد چه اقداماتی کرده
است؟

— ما در جهت اتحاد کوششهای
زیادی کرده ایم. حتی حاضریم
انحلال جهت پیوستن به یکدیگر
شده ایم ولی دیگران این چنین
هدفی را تعقیب نمی کنند و ادعای
سابقه مبارزاتی و غیره و حزب
پرستی میکنند و گروهی از احزاب
نیز وجود خارجی در ملت ندارند و
ادعای ائتلاف میکنند.

● رهسار برنا مه های شما بعد
از پیروزی چه خواهد بود و چه تضمینی
دارید که بعد از خروج شوروی، عمل
امپریالیسم آمریکا حکومت نکنند؟

— این یک واقعیت است که
آمریکا بقدری رسوا شده و شکست
خورده است که نمیتواند دیگر
شده ها را بگیرد و حکومت کند و
رهسار برنا مه های ما، همان برنا مه
های جمهوری اسلامی ایران است،
یعنی ابتدا رفرا ندوم، فائسبون
اساسی، انتخابات می باشد. سپس
انقلاب فرهنگی و تاسیس نهادهای
انقلابی چون جهاد سازندگی سواد
آموزی و غیره می باشد.

● چنانچه پیامی برای ملت
ایران دارید، بیان کنید.

— ملت ایران آگاه باشید،
انقلابی را که از خودن ۷۰ هزار
شهید به پیروزی رسیده، از دست
ندیم، خدا نقلاب توطئه نکند، بیاد
ملتی که در جنگ و فقر می باشد و در
همسایگی برمی برد، باشد و ما از
خدا میخواهیم که اسلام و مسلمین
پیروز شوند و بیریق اسلام طبق گفته
امام، در سراسر جهان بدها هتساز
در آید و امام خمینی در سلامت کامل
باشد.

از این بودجه ندارم. اما تنهایی
بششیمان جبهه ما ایران می باشد و
ما از ایران اسلحه و مهمات زیادی
دریافت داشته ایم و احتمالا پایگاه
نظامی در خاک ایران داریم.

● بطور کلی اوضاع مجاهدین
و ملت چگونه است؟

— از لحاظ اقتصادی وضع
بسیار بدی در افغانستان می باشد
چرا که رهای کثرت و چیزی ندارند.
از لحاظ فعالیت احزاب، نهضت
اسلامی افغانستان در مناطق ما موری
که یک ناحیه ۷۰ هزار نفری است
فعالیت دارد. در منطقه قره باغ
حرکت اسلامی و سازمان نصر و نهضت
اسلامی وجود دارند. در منطقه تری
جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی
افغانستان و منطقه هرات، حرکت و
نهضت اسلامی افغانستان و در کابل
نهضت و حرکت و حزب اسلامی فعالیت
دارند و در مناطق ترکمن سازمان
نصر افغانستان فعال می باشد. از
این لحاظ قدرت نظامی مجاهدین
انواع سلاحهای سنگ را زیاد دارند
ولی از لحاظ سلاحهای سنگین تر
مفوقه می باشند. اما از لحاظ
تاکتیکی، سرعت عمل و آمادگی

جبهه آزادبخش خلق تیگره سخن می گوید

جبهه آزادبخش خلق تیگره ۶ سال پیش بان تفنگ کهنه جنگ آزادبخش را آغاز کرد و اکنون دوسوم خاک تیگره را آزاد کرده است

روسیها تا کنون ۲ میلیارد دلار اسلحه به اتیوپی داده است

خلب سکره یکی از ملسیهای تحت ستم در اتیوپی است که سالهاست بخاطر طرح تعیین سرزمین مسلمان میگذرد.

سکره هم اکنون بخشی از خاک اتیوپی است که در شمال اتیوپی واقع شده و هم مرز اریتریه است. جبهه آزادبخش خلق تیگره در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۴ توسط عمده معدودی از سربازان سکره ای و با پنج تفنگ کهنه با سرمد وجود گذاشت.

بخاطر برخورداری از پشتیبانی و استقبال زیاد از طرف نوده های تحت ستم و محروم سکره این جبهه اکنون ارموقعیتی عالی برخوردار است.

جبهه اکنون دوسوم خاک سکره را آزاد کرده و چهار جبهه علیه حکومت فاشیستی اتیوپی باز کرده است و در تمام نقاط سکره ارتش اتیوپی را سرحدات خود فرار داده است.

بعد از تحکیم و تقویت مواضع در عرب، سرب و جبهه های مرکزی اخیر جبهه آزادبخش طرف جنوب پیروی کرده و ارموضع دفاعی بسه حالت تهاجمی در آمده است.

در حال حاضر سربهای مگوسی، مکاره، سامره، سوکوتا، کرج و کجت در دست نیروهای انقلابی است و در جبهه جنوبی نیز ضربات سختی بسه ارتش اتیوپی وارد کرده اند.

اتیوپی در واقع به آزمایشگاه مائین جنگی روسها تبدیل شده است. رژیم نظامی اتیوپی تاکنون به ۶ عملیات بزرگ نظامی جهت نابودی مبارزات خلقهای اریتریه و اتیوپی دست زده است که همه آنها با شکست مواجه شده اند. در تمام این عملیات کارسازان نظامی روسیه و کوبا مستقیماً دخالت داشته و حتی نقش رهبری کننده داشته اند.

روسیها تا کنون ابزارهای جنگی با ارزش ۲ میلیارد دلار وارد اتیوپی کرده اند. کشتی های روسی بخلاوه سلاحهای جنگی، نمک، وارد می کنند و در عوض طلا، قیوه، جرم با خود می برند. این "مبادلات" بر طبق قرارداد "بست ساله" دوسومتی و همکاری انجام میگیرد که در اواخر سال ۱۹۷۸ منعقد شده است.

هم اکنون بین ۱۵ هزار کارشناس نظامی و سیاسی روسی، ۱۷ هزار سرباز مزدور کوبایی و هزاران کارشناس آلمان شرقی در دستک دولت فاشیستی درگ فعالیت میکنند.

این در حال است که رژیم فاشیستی اتیوپی با کمک و تائید روسها کوشش میکند مسئله پناهندگان را از دیدگاه رعمومی جهان پنهان نگهدارد. رژیم با کمک مژده سود پناهندگان را انکار میکند و تصویر کاملاً متناقضی از واقعیات سیاسی اتیوپی ترسیم میکند، مثلاً ادعا میکند که همه این مسائل را حل کرده و کشور اصلاح و آبادانی برخوردار از طرف دیگر برای فریب افکار رعمومی دنیا رژیم کم علام میگذرد که دستور رعمومی صادر شده و همه آنها تیکه یا تیکه می توانند به کشور برگردند، در حالی که در عمل همه آنها تیکه میگویند از کشور فرار میکنند با خطر مرگ و بربودن هستند و بخلاوه از این طریق در کمک رسانی سازمانهای خیریه بین المللی به پناهندگان اخلال میکنند.

رژیم نظامی فاشیستی با کمک همه جانبه روسیه دست در کار رمانور

مواضع جبهه

در برابر مبارزه خلق اریتریه

۱) مسئله اریتریه مسئله ای است استعماری و مبارزه شان عادلانه و دموکراتیک است.

۲) مسئله اریتریه تنها از راه بد استقلال رسیدن این سرزمین قابل حل است.

۳) دو جبهه آزادی بخش اریتریه، "ای - سی - ال" و "ای - ال - اف" هماهنگان خلق اریتریه اند.

۴) تنها راه است - شوروی و متحد - بسن رژیم فاشیستی درگ به خلق اریتریه را محکوم میکنیم.

۵) ارتش برای وحدت انقلابی اریتریه پشتیبانی می کنیم.

۶) این یک امر اصولی و ضروری است که با مبارزات خلق اریتریه مناسبات برقرار کنیم و در آینده نیز بر اساس این موضع حرکت خواهیم کرد

تنش آمریکا و روسیه

در اتیوپی

سلط روسیه در زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک

وابستگی صنایع کشور و راههای خروج از آن (۲)

اقتصادی

قطع وابستگی

تنها از راه شکوفائی اقتصادی ملی امکان پذیر است

اقتصاد ایران بیمار است. هیولای وابستگی در گوشه و کناره های مرز بوم بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی عرض اندام میکند. عفریت هرج و مرج و انحمارطلبی و انقلابیگری کاذب به ما سعی جدی در راه نوسازی ساختمان کشور تبدیل شده اند. توده های میلیونی زحمتکشان ایران هنوز چشم بر راه ثمرات انقلاب شکوهمند خود میباشند.

غارتگران جهانی به همراه مزدوران و عوامل داخلی خود، که اهرم اصلی اعمال حاکمیتشان سرمایه داری بوروکراتیک وابسته بود، ساختمان اقتصادی میهن ما را بر مبنای رشد و توسعه نهدای وابسته، گسترش حوزه های نفوذ و کسب سود خود و تخریب و تضعیف بنیادها تولید و اقتصاد ملی کشور معماری میکردند. نتیجه این امر کاهش مداوم نرخ سود در حوزه های فعالیت اقتصاد ملی و غیر وابسته و افزایش حجم "ما فوق سود" های غارت شده بوسیله سرمایه مالی جهانی و بخصوص جهانخواران آمریکائی بود. اکثریت عظیم ملت سال به سال و روز بروز بسوی فقر و ورشکستگی میرفت و مشتی اقلیت وابسته و مزدور به ثروت اندوزی مشغول بودند.

انقلاب ایران با روی کار آوردن یک حکومت ملی، شرایط سیاسی لازم را برای رشد اقتصاد ملی، مبارزه با وابستگی و کام گذاردن در راه کسب استقلال اقتصادی فراهم نمود. اما برای رسیدن به چنین اهدافی باید به اجرای برنامه های دقیق و پیگیر پرداخت. پس از بررسی وضع "شرکت قند کوما نشاه" در رنجبر ۹۲، در زیر به بررسی دیگر نهدای اقتصادی تحت حاکمیت سرمایه داری وابسته پرداخته و نظرات خود را در مورد چگونگی قطع وابستگی های آن ارائه خواهیم داد:

شرکت تولید و بسته بندی گوشت زیاران

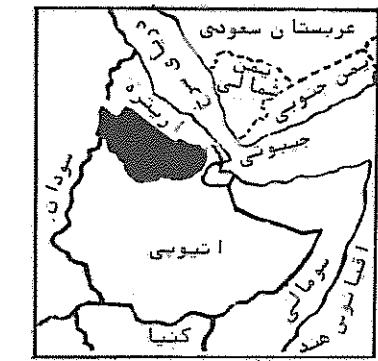
فعالیت "شرکت تولید و بسته بندی گوشت زیاران" - حوالی قزوین - از سال ۱۳۵۵ با ۶۰۰ میلیون ریال سرمایه ثبت شده آغاز شده است. توزیع سهام آن به ترتیب زیر است:

- شرکت آمریکائی اف. ام. سی کورپوریشن ۳۳/۳%
- بانک توسعه کشاورزی (دولتی) ۲۰%
- بانک عمران ۳۳/۱۲%
- بانک توسعه صنعتی و معدنی ۶۰/۱۶%
- شرکت سهامی فروشگاههای کوروش ۱۰%
- سهامداران خصوصی ۲۶/۱۲%
- شرکت سرمایه گذاری بانکهای ایران ۴۸/۱۴%

میدانیم که بانک های عمران، توسعه صنعتی و معدنی، شرکت فروشگاههای کوروش و شرکت سرمایه گذاری بانکهای ایران از مهمترین نهاد های سرمایه داری وابسته در ایران بودند. از جمله بانک توسعه کشاورزی تنها ما در اختیار ربوروزاری دولتی و بانک عمران تحت تسلط بنیاد دیپلومی دربار بودند. تکلیف بانک توسعه صنعتی و معدنی (گردانندگانش را در رنجبر ۹۲ معرفی کردیم) و شرکت کوروش هم که روشن است سرمایه گذاری بانکهای ایران را هم چندین بانک دولتی و خصوصی تامین کرده بودند.

این بانکها عباتند از: بانک ملی، صادرات، سپه، توسعه صنعتی و معدنی ایران، تعاون کشاورزی ایران، اعتبارات صنعتی، توسعه کشاورزی ایران، بازرگانی ایران، صنایع ایران، بین المللی ایران و زاپین، شهریار، اعتبارات ایران، ایرانشهر، ایرانیا و بانک توسعه سرمایه گذاری در ضمن یک شرکت دیگر آمریکائی بنام "سان حوزه میت" که ۳۳/۳% سهام در اختیار داشت قبل از انقلاب سهام خود را به یک ایرانی فروخت.

نگاهی به توزیع سهام این شرکت روشن میکند که بورژوازی کمپرادور بوروکراتیک ایران کاملاً بر این شرکت مسلط بوده است. فعالیت این



تیگره با رنگ سیاه مشخص شده

دیپلماتیک، با چدهی و تهدید چنگی برای مجبور کردن کشورهای همسایه در اخراج پناهندگان است. بنا بر این پناهندگان در معرض خطر یک با چدهی و معامله سیاسی قرار دارند.

بطور کلی نبودن کمکهای بین المللی برای پناهندگان شرایط را غیر قابل تحمل ساخته است. صدها تن از این پناهندگان از گرسنگی و مرض تلف می شوند و هزارها نفر از کمبود غذا و بیماری های مری رنج می برند.

بخاطر شرایط اخیر و نیز ۹۰ سال ستم و استعمار، بین ۱۵۰ هزار نفر از مردم تیگره از خانه و کاشانه خود مجبور به فرار شده اند و به کشورهای عربستان سعودی، سودان و سایر نقاط اتیوپی و اریتریه پناهنده گشته اند. تنها در پنج سال اخیر بیش از صد هزار تیگره ای بعلت ستم فاشیستی و بیب با رانهای وحشیانه، آتش زدن خانه ها و جیاول داروندان ارشیکره فرار کرده اند.

امروزه ۹۵۰ هزار نفر در تیگره ساکن هستند که آنان نیز با گرسنگی دست بگریبانند.

ال سالوادور: رویدادهای جهان

پنج هزار نفر از ژانویه تا کنون کشته شده اند

زده خورده و بمب گذاری هنوز در کشور جنگ زده ال سالوادور ادامه دارد. بر اساس گزارشهای رسیده از سالوادور (با پخت کشور) تنها در یکشنبه ۱۰۰ نفر کشته شدند.

آزادی، این دستاورد انقلاب را ازگزند انحصار طلبان حفظ کنیم

بقیه از صفحه اول

درباره آزادی ونقش فعالیت آزاد گروههای سیاسی

آزادی برای ادامه و تحکیم انقلاب است. باز هم به این اعتبار، سلب آزادی بمعنی محدود کردن مبارزه خدا میریالیستی و تضعیف ادامه انقلاب می باشد. توجه کنیم که ضد انقلاب و امیرالیست ها نگاه منفی میشوند زیرا می خواهند این مبارزه را بر سر کار بیاورند (گودنا و غیره) برای شکست انقلاب بلافاصله به سلب آزادی و سرکوب جمعیتها و گروهها می پردازند.

البته در هر دوره بسط آزادیهای اجتماعی، گروهها و احزابی که دارای اشتباهات و انحرافات بودند و همچنین دارو دسته های وابسته و مزدور سبک نه نیز بوجود آمدند و این امر با وجود امیرالیست و ارتجاع اجتناب ناپذیر است. برخی نیز ظاهرا عقیده دارند علت تفرقه و شکست جمعیتها نیز وجود احزاب و گروهها بوده است. اما این تفکر اشتباه است و برای یافتن علل تفرقه و شکست انقلابات باید بررسی عمیق تری نمود که در جای دیگر باید به آن بپردازیم.

آنچه که جنبه عمده دارد فعالیت آزاد مردم و جمعیتها و احزاب مردمی است که به انقلاب عمق می بخشد. با انحرافات نیز باید صورت آزادی مبارزه شرکت نموده های وسیع مردم مبارزه اصولی کرد. طبق هیچ منطق و اصولی و انقلابی نباید مردم و جمعیتها و احزاب مردمی را با طر وجود گروههای خدا انقلابی و مزدور از فعالیت آزاد محروم ساخت چون همانطور که در بالا اشاره شد این در درجه اول و بطور عمده ضربه به جنبه انقلاب است. از بعضی لحاظ در مورد خدا انقلاب بویژه در مورد خدا انقلاب در روشن که هنوز نتوانستیم گفت فعالیت با آن و در عین حال مبارزه سیاسی تا انفرادی و شکست کامل آن، صحیح تر از ممنوع کردن خدا انقلاب طبق یک دستور صرفا بوروکراتیک است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با شکست دادن دیکتاتوری وابسته به امیرالیست، جمعیتها، گروهها و احزاب مختلفی رشد یافتند، برخی جدید سا زمان شدند و گروههای جدیدی نیز تشکیل گردیدند. این مجموع مردمی است و به شکوفایی شدن مبارزه خدا میریالیستی و ادامه انقلاب در جهت بهبود زندگی مادی و معنوی نموده های مردم کمک ارزنده ای میکنند.

مبارزه مردم تحت ستم با علیه شاهان و حاکمان مستبد و زورگرو، مبارزه ای بود از جمله برای آزادی آزادی از زیر فشار و ستم حاکمان خود گامه و دیکتاتور و عمال و یقینگهای آنها، آزادی در انتخاب شغل، عقیده و مذهب، آزادی فعالیت اجتماعی و سیاسی، آزادی بیان و اب... اندیشه و...

در قرن اخیر نیز مبارزه برای آزادی، مکتب و بخش جدا نشدنی آزادی مبارزه خدا میریالیستی و استقلال طلبانه مردم مبارزه بوده است. در انقلاب اسلامی ما نیز مبارزه بسیار دیکتاتوری، استبداد و اختناق نقش عظیمی در بسج نموده های مردم داشت.

انقلاب مشروطیت برای مردم ما بطور نسبی آزادی بدنیال داشت دیگر در برابر روحگمرانان منصوب شده فعال ما بشاء نبودند. آزادی تنها در این نبود که انتخابات و مجلس قانونگزاری داشتیم بلکه نتیجه مستقیم آزادی در جامعه، فعالیت اجتماعی و سیاسی مردم و متشکل شدن آنها در اجتماعات منقسی، فرهنگی، سیاسی و غیره بود. جمعیتها اتحادیه ها، گروهها و احزاب مردمی شکل گرفتند و مردم شروع به آموختن شکل فعالیت با آن و در عین حال مبارزه سیاسی تا انفرادی و شکست کامل آن، صحیح تر از ممنوع کردن خدا انقلاب طبق یک دستور صرفا بوروکراتیک است.

پشتیبانی کانون همماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات از کارگران لهستانی

کارخانجات ایران ایجاد نمائید تا فای من بقای حاکمیت کارگران در همه زمینه ها گردد. ما خواسته های شما صنی بر لغو سورا و ایجاد اتحادیه های مستقل جدا پشتمیانی نموده و از اتحادیه ها و سازمانهای کارگری سراسر عالم دعوت بعمل می آوریم که از حرکت شما قویا پشتیبانی نمایند. کانون همماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات خواهان استمرار مبارزات شما تا کوتاه شدن دست سوسیال امیرالیست روسیه از کشورتان میباشد.

پیروزبا دمبارزات مستضعفان جهان علیه مستکبران شرقی و غربی زنده باد حاکمیت مستضعفان برقرار باد حاکمیت شوراهای کانون همماهنگی شوراهای کارخانجات.

همبستگی بین المللی کارگران جهان از ملیتها و مذاهبات مختلف و پشتیبانی از مبارزات کارگران جهان به تقویت و تعمیق این مبارزات میانجامد. اطلاعات کانون همماهنگی شوراهای اسلامی در پشتیبانی از خواسته های دموکراتیک کارگران لهستان در مورد لغو سورا و ایجاد اتحادیه های مستقل و حمایت از مبارزات آنها برای کوتاه کردن دست سوسیال امیرالیست روسیه نمونه مثبت و ارزنده ای از این همبستگی بین المللی است. این همبستگی باید شامل آموزش متقابل از تجربیات یکدیگر نیز باشد. نکته ای که در این مورد قابل بحث است پیشین دگان کانون همماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات به کارگران لهستان در مورد ایجاد شوراهای بسک شوراهای ایران می باشد. اغلب شوراهای کارخانه در ایران تجربه خوبی برای دفاع از منافع کارگران ایران نیستند و بسیاری از این شوراهای انجامه ابزارهای بوروکراتیک در دست مدیران و مسئولان بوروکرات علیه کارگران تبدیل شده اند. که موج مخالفت کارگران را علیه خود برانگیخته است. اتفاقا کارگران لهستان تجربه تلخی، آتم بعدت طولانی تر،

پاسخ نخست وزیر به بهره کارمل

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۵ محمد علی رجائی نخست وزیر، در پاسخ پیام تبریک بزرگ کارمل، رئیس جمهور دست نشاند روسیه در افغانستان نامه ای به این شرح ما در کردند. "جناب بزرگ کارمل پیام تبریک شما به مناسبت نخست وزیر اینجانب در شرائطی واصل گردید که بعینت سرکوبی برادران مسلمان ما در افغانستان موجهی از تا ترم مردم کشورمان را فرا گرفته است. ما در انتظار روزی هستیم که بدون دخالت قدرتهای خارجی مردم افغانستان به تعیین سرنوشت خود بپردازند و اطمینان دارم که مبارزات مسلمانان بر علیه سلطه قدرتهای استعمارگر به پیروزی خواهد رسید. وحدت و توفیق کلیه مستضعفین جهان را در راه وصول به آزادی و عدالت از خداوند مسئلت دارم."

رئیس جمهور... از صفحه اول

معنای جز این ندا که بگوئیم آنها که زور دارند با بد حکومت بکنند، مردم تشخیص ندادند و جدانی بنا مودان عمومی حرق مفت است. در نتیجه مردمی مردم، آنها که تشکیلات دارند با بد حکومت کنند. آنها هم دود ستانند، یک دسته غیر مسلمانان و بیا غیر مکتبی ها و یک دسته مکتبی ها و مکتبی ها آنها هستند که خداوند آنها را آفریده برای حکومت کردن و بر آنها هم واجب نیست که گنا ها ن کبیره از قبیل دروغ، افترا، سایه پراکنی و... انجام دهند.

اگر کسی بخواند به خودشان اجازه بدهند به هر قیمت حکومت را در دست بگیرند، خواهی خواهی اولاً این بریدن از مکتب است و ثانیاً آنها نیستند که توانائی حکومت خواهند داشت درجهان قدرتها و بر قدرتها، بلکه آنها نمی توانند حکومت را بدست بیاورند که در این ساخت عمومی قدرت جهانی میتوانستند تکیه گاه مطمئن داشته باشند. اینها فقط جاده ماف کسن میشوند و دیر یا زود نوبت معاویه ها و مستبدها میرسد در شرائط فعلی خیلی زود این نوبت به آنها میرسد.

۵- ضرورت آزادی - ما امکانات فراوانی برای حاکمیت

آنها به همین شیوه ها متوسل شدند از آنجمله اندکی دوبار اعلام محدودیت و ممنوعیت گروههای جنب و بساط مخالفین، تعطیل برخی روزنامه های بیگانه ما امروز و آیندگان و غیره. البته در آن موقع که حاکمین در مجموع در جریان مبارزه خدا میریالیستی متحد بودند و جنب و بساط مخالفین را از نقطه نظر منافع کل انقلاب در محتوای مسئله حقانیت با حاکمین بود و در عین حال در اغلب موارد میان گروههای سیاسی و البته منحرفین و گروههای اصیل و در جهت انقلاب تما یز گذاری میشد و حاکمین در این امر از پشتیبانی وسیع نموده ها برخوردار بودند. لکن البته در همان زمان نیز شیوه های نادرست کارنتایج چندان مثبتی ببار نیاورد.

اما اکنون اوضاع تماما و تغییر بسیاری با سال گذشته دارد. از یکسو جریان مخالف و "جنب" دچار فعالیت گشته و نقش چندان در اخلاخل ندارد. و از عوامل مهم اخلاخل عمدتاً دار و دسته های وابسته هستند. از سوی دیگر حاکمین در ادامه مبارزه ضد امیرالیستی متحد نیستند و بر هم خوردن وحدت حاکمین بود حاکمیت بیشتر انحصار طلبان و بوروکراتها و با کنار گذاشتن یا خنثی نمودن نیروها و افراد استقلال طلب و مدتی بوده است. انحصار طلبان بنا بر خلقت خود بورخوردان با مسائل نموده ها دیگر پشتیبانی وسیع نموده ها را انداختند و بخشهای وسیعی از نموده های مردم و نیروهای سیاسی اصیل و استقلال طلب با انحصار طلبان در ستیزند. به علاوه امروز انحصار طلبان خود عامل مهم اخلاخل و تفرقه اند.

با این ترتیب در محتوی مسئله دیگر حقانیت گذشته مطرح نیست چون مسئله به منافع کل انقلاب و مردم بر نمی گردد بلکه تنها مربوط به منافع انحصار طلبان است. اکنون انحصار طلبان از موضع منافع قشری خود از موضع قسدرت طلبی به هر قیمت در موج مخالفین نموده ها و نیروهای سیاسی دست به محدود کردن آزادیها و حتی سرکوب میکنند. این عمل محدودیه مخالفین خارج از حکومت نیست. انحصار طلبان در داخل حکومت و دولت نیز عمل سرکوب مخالفین را با پرونده سازی بر حسب زنی و توطئه گری به پیش می برند. منتها دستشان در مورد

سپهر، رستم، س و در، و سب و سورش خود آزادی را برچید و گروهها و احزاب را سرکوب کرد. فعالیست و مبارزات گروهی بسیار محدود و در شرایط سخت و محنتی انجام میگرفت. و همواره تعقیب و زندان، شکنجه و کشتار را به همراه داشت. از این دوره بعنوان نمونه میسازنات اتحادیه های کارگری مانند کارگران نفت و کارگران چابخانه ها و مبارزات گروهی اسلامی (مدرس) و کمونیستی (دکترتقی ارانی) قابل ذکرند.

سابقه دیکتا توری رضا خان در سال ۱۳۲۰ مجدداً فعالیت آزاد صفتی، سیاسی مردم و علاوه بر شکل هایی چون اتحادیه ها و سندیکا های کارگری و صفتی دیگر، انجمن های معلمین و غیره، گروهها، احزاب و جبهه های مردمی رشید یافتند و قدم قدم بر عرصه و کسرتگی مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبان مردم میهن ما افزوده میشد. از این دوره مبارزات احزاب ملی و تشکیل جبهه ملی ایران بدرهبری دکتر محمد مصدق و بنی ارژنده آن در طی کردن صنعت نفت و کودتا کردن دست امیرالاسما نکلین، مبارزات جنبش اسلامی بدرهبری آیت الله کاشانی علیه انگلیس و دهها نمونه مبارزات و اتحادیه ها و اتحادیه های کارگری و اصناف دیگر قابل ذکرند.

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به فعالیت احزاب و گروههای اصیل و مردمی و نیز گروههای با سرخی انحرافات، خاشاکه داو آزادیهای کسب شده را برچید. در دوره های بعد نیز هرگاه که مبارزات مردم مددت می گرفت و ارتجاع حاکم و وابسته به امیرالاسم دچار ضعف میشد، سوا حدودی آزادیهای نسبی بوجود می آمد و مردم مجدداً فعالیت های صفتی، اجتماعی و سیاسی خود را از سر سر می گرفتند و جمعیتها و احزاب بوجود می آمد که نقش انکارناپذیری در تشدید و گسترش مبارزات داشتند. مانند سالهای ۳۹ تا ۴۱م ۱۵ خرداد ۴۲، در سوا دوران دیکتا توری محمد رضا شاه، گروهها و سازمانهای مختلف اسلامی، ملی و مارکسیستی مخفانه و نیمه مخفی بوجود آمدند و مبارزه کردند که هم اکنون نیز گروههای اسلامی، ملی و مارکسیستی به وجود آنها افتخار میکنند و در ادامه دهندگان راه آنها میدانند.

همانطور که در بالا کرارا اشاره شد و خود فعالیت جمعیتها، احزاب و گروهها صرف بیان آزادی و رعایت آن نیست، بلکه متشکل شدن انصار و طبقات مختلف و فعالیت آزاد گروهها از ضروریات گسترش و عمق بخشیدن به انقلاب و مبارزه خدا میرا لیستی است. به این اعتبار وجود آزادی در جامعه بمعنی آزادی مردم برای مبارزه بمعنی امیرالیستی و مبارزه برای بهبود زندگی مادی و معنوی خود و کوفتایی جامعه، بطور خلاصه

نخبره یکسال و نیم احراستان دادگاه انحصار طلبان هروقت در اداره امور ما مبارزه برای حفظ باکس قدرت خود در اختیار می شود، دست به سینه های بوروکراتیک برای اعمال قدرت و محدود کردن آزادیها میزند. سال قبل یعنی ماههای اوائل بعد از انقلاب که حب نماها و گروههای منحرف یکی از عوامل مهم اختلال در ادامه انقلاب و مبارزه خدا میرالیستی بودند، حاکمین و در میان آنها انحصار طلبان که قادر به برخورد اصولی و مبارزه سیاسی با جریانات انحرافی نبودند، برای مقابله با

نمی کنند، دیگر برین گروههای انقلابی و استقلال طلب و گروههای منحرف و دارو دسته های وابسته تمام بیزمی گذارند. اتفاقاً آنکس که پیش از همه و تنها پیش از جنگ انحصار طلبان معون میماند همین دارو دسته و وابسته ای چون حزب توده و امثال آن هستند. ممنوع کردن فعالیت گروهها گامی از حرکت انحصار طلبان برای محدود کردن و در نهایت برچیدن مخالفان خود است. حمله به دفاتر و احزاب و گروهها و اعمال دیگر از این قبیل در گوشه و کنار کشور نموده های دیگر این حرکت آن را بود. آنها با اینگونه اعمال قصد مقابله با اختلال را ندارند چون خود عامل مهم هرج و مرج و اختلالگری هستند. آنها در واقع گامهای اولیه را بسوی استفاده دبر میدارند. حرکت جدید آن می تواند مقدمه ای باشد، برای محدود کردن آزادیها در سراسر کشور که بعداً بتوانند در مجلس به آن صورت با مصلحت قانونی هم بدهند. باید در رئیس با فشاری بر مبارزه های امیرالیستی، با حمایت توده های و نیروهای غیر وابسته و استقلال طلب، با این اعمال انحصار طلبان مقابله نموده و دستا ورده های انقلاب اسلامی را تحکیم نمود و گسترش داد.

لپسنان.....
از صفحه اول
میگوید: "آنچه برای من مهم است آزادیهای سدیگانی است. مهم نیست که با چه کسی مذاکره میکنم آدمها برای من فرق ندارند و من این آداه را نمی نامم... ما سدیگای آزاد میخواهیم، یعنی یک قدرت قدرتمند که ما امکان دهد بدون توسل به اعتصاب و بدون تحمل سرکوب پلیسی بتوانیم حرکت خود را بسازیم."

در جریان مذاکرات بین لسن والسا و نماینده دولت (باکیلسکی) ساله زندانیان سیاسی (چه کارگر و چه روشنفکران و دیگر معترضین) مورد بحث حدی قرار گرفت. معاون نخست وزیر ادعا کرد: "آنطور که وزیر داخله به من اطلاع داده است (شاهد رویاه دم او است) در لپسنان زندانی سیاسی وجود ندارد."

در پاسخ وی که از طریق بلند کوهای منجمع صنعتی بخش میشد و به کوش هزاران کارگر اعتصابی میرسید، والسا صریحاً اعلام کرد: "من خودم چند بار زندانی بودم و در جریان چنین محاکماتی هستم. این محاکمات همه فلابی اند." این حقیقت کوئی وی با ابراز احساسات شدید کارگران روبرو شد و بدستال آن والسا ادامه داد: "این ساله باید مورد بررسی قرار

کاری انقلابی و مکتبی است و باید کرد و چه کاری خدا انقلابی و مکتبی است و نباید کرد. متأسفانه با جوسازی در این ماههای گذشته فراوان کار خدا انقلابی، انقلابی نموده شده و به جامعه تحمیل شده و امروز ما هنوز جرات اینکه بگوئیم آن کارها کارهای درستی نبوده اند نداریم. اگر کسانی باشند و بخواهند برای این مردم تصمیم بگیرند این اشخاص باید بیایند و حال و روز مردم واقعی این کشور را که در چنان فقر سیاهی زندگی میکنند ببینند. البته در صورتیکه حسن نیتی داشته باشند و از ما بهتران نباشند.

ع- معنویت - مسئله ای که از نظر ترتیب قطعاً مسئله اول است، معنویت و جای آن در انقلاب اسلامی ایران است. در حل رابطه میان نیروها تنها یک راه انقلابی وجود دارد و آنهم اجرای قانون است و اگر قانون اجرا بشود و جای هر کسی در قانون معلوم باشد و هیچکس کوش نکند از جای خود بیرون برود دیگر مستکبران به شکل و عنوان دیگر بر نمیگردند. کوش بکنیم اندیشه و ابزارهای قانونی را جایگزین روشهای تخریبی زورمداری بکنیم.

گیرد نه تنها در سطح فزائی بلکه در سطح اجتماعی. انسان آزاد به دنیا می آید و آزاد باید زندگی کند."
در پایان ملاقات، والسا کسه بیاده و قبل از کمیسیون دولتی به کارخانه بازمیگشت مورد استقبال بر سرور همزمان خود قرار گرفت که فریاد میزدند: "زنده باشی، عدال زنده باشی." وی در آنجا اعلام کرد:
"این تازه اول کار است. ما ۳۵ سال است که حرف زده ایم و حالا خیلی حرفها برای گفتن داریم."

کارگر دیگری با اشاره به نمایندگان دولت که دور می شدند گفت:
"این با ما هیچی از کار ما سر در نمی آید. به خیالت ما خریم و میته سرما رو به این آسونی کلاه گذاشت. اما یادش نیست که ما سه تا تجربه داریم، سال ۱۹۵۶، سال ۱۹۷۰ و سال ۱۹۷۶ و حال اینکه یاد گرفتیم و انکار مدرسه رفتنیم. عیبی نداره اینها بالاخره به روزی مجبور میشی از کار ما سردر بیاری."

حقیقتاً که جنبش کارگری در لپسنان تجربه آموخته و بچوبی توانسته است به حاکمیت سوسیال فاشیسم ضربه ای جدی بزند. جنبش کارگری لپسنان مطمئناً در راه پیروزیهای بیشتری گام خواهد گذاشت.

حقوق حقه سیاسی و صفتی شما میباشد ما کارگران ایران به شما پیشنهاد میکنیم تا برای احیای حاکمیت کارگران در کارخانه ها و کاسته شدن از قدرت بی حد و حصر مدیران، شما ها بی سبک شورا های بوجود آمده در

اوج گیری جنبش مقاومت در شیلی

برای اولین بار پس از سرنگونی دولت آلنده، دهها هزار تن از مردم پایتخت شیلی در یک تظاهرات علیه رژیم پینوشه شرکت کردند و علیه حکومت کودتا فریاد کشیدند. این تظاهرات برای نشان دادن مخالفت با قانون اساسی جدید پیشنهادی رژیم نظامی و فریاد دوم کدائی درباره آن انجام گردید.

طبق طرح قانون اساسی جدید پیشنهادی سال ۱۹۸۹ در قدرت باقی می ماند و پس از انقضای این مدت نیز میتوانستیم ۸ سال دیگر برای تجدیدن آندام کند و با این ترتیب عملاً تا سال ۱۹۹۷ (هفده سال دیگر) از انتخابات آزاد در شیلی خبری نخواهد بود. این طرح پیشنهادی قرار است در روز بیستم شهریور، هفتمین سالگرد کودتا، به رای گذاشته شود و هر کس در فریاد مردم شرکت نکند به زندان محکوم خواهد شد. رژیم محلی را برای سخنرانی درباره این انتخابات تعیین کرده بود که مردم قبل از شروع برنامه محل را با شعار خود در آوردند و او را در فریاد رئیس جمهور پیشین شیلی قبل از آلنده و رهبر حزب دمکرات مسیحی سخنانی علیه اقدامات پینوشه ایراد کرد.

پس از این سخنرانی جمعیت داخل سالی و اجتماع کنندگان بیرون به حرکت درآمدند و طی تظاهرات باشکوهی به خواندن سرود آزادی و دادن شعار علیه دیکتا توری پینوشه پرداختند. تظاهرات کنندگان با اعمال خشونت پلیس مواجه گشتند و در طی درگیریها چند نفر زخمی و تعداد زیادی دستگیر شدند.

موج مقاومت نوین مردم شیلی علیه رژیم "سیا" ساخته پینوشه و اوچگری اخیر آن نوید بسیار خاستن مردم قهرمان شیلی را برای کسب استقلال و آزادی میدهد. دیر نیست که این خلق قهرمان با استفاده از تجربیات گذشته قطعاً نه در راه استقلال و آزادی به پیروزیهای بیشتری دست یابد.

کنسولگری روسیه در رشت باید تعطیل شود

بدستال تعطیل کنسولگری ایران در لنینگراد وزارت امور خارجه ایران خواستار تعطیلی یکی از کنسولگریهای روسیه در اصفهان یا رشت شد. وزارت خارجه روسیه نیز به علت موقعیت استان کیلان و نزدیکی روسه و شمال بودن عمالش در قسمت شمال و شمال غربی کشور، دستور تعطیل کنسولگری خود را اصفهان را داد. اما این عمل با اعتراض عده ای از مسئولین و مردم روبرو شد. در این رابطه مهندس انصاری استاندار کیلان طی گفتگویی اظهار داشت اگر قرار است دولت شوروی یکی از کنسولگری روسیه در ایران را تعطیل کند بنظر من باید کنسولگری روسیه در رشت را تعطیل کند و بنظر من باید کنسولگری در رشت تعطیل شود. وی دلیل این امر را موقعیت منطقه کیلان ذکر کرد و اضافه نمود با توجه به این مسئله و نیز بر سنل کنسولگری رشت که یک بنجم کنسولگری اصفهان است می بایست این مرکز تعطیل شود. استاندار کیلان افزود: مردم نیز با تلیفنیهای مکرر خود خواستار تعطیل کنسولگری روسیه در رشت شده اند و حجتی برای انجام این منظور اعلام کرده اند که دست به راهیماش خواهند زد.

روز جمعه گذشته شیر در مراسم نماز جمعه رشت آقای خزائی نماینده این شهر در مجلس شورای اسلامی در سخنرانی خود و همچنین اما م جمعه رشت در بیان خطبه های نماز جمعه خواستار تعطیل کنسولگری روسیه در رشت شدند و از مردم خواستند از حمله به کنسولگری خودداری نمایند و بگذارند تعطیل کنسولگری از طرف مقامات مسئول انجام گیرد.